

آشنایی با قرآن کریم

از مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم"



حسن صفرزاده تهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : صفرزاده تهرانی، حسن، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با قرآن کریم/نویسنده حسن صفرزاده تهرانی : تدوین و ویراستار اکرم ویسی
 به اهتمام موسسه پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن ؛ با حمایت دفتر مطالعات
 و پژوهش‌های بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف).

مشخصات نشر : اصفهان: فرهنگستان اندیشه، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری : ۸۴ص.

فروست : ...مجموعه کتاب‌های نمی‌ازیم.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۲۰-۴۸-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۲-۸۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن -- بررسی و شناخت

Qur'an -- Surveys

شناسه افزوده : ویسی، اکرم، ۱۳۶۶ -، ویراستار، گردآورنده

شناسه افزوده : موسسه قرآن و عترت صبح روشن

شناسه افزوده : بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عج). دفتر مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی بقیه‌الله

رده بندی کنگره : ۶۵/۳ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۶۱۱۷۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا



این کتاب با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش‌های
 بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) به چاپ رسیده است.

عنوان کتاب	: آشنایی با قرآن کریم
مؤلف	: حسن صفرزاده تهرانی
ناشر	: فرهنگستان اندیشه
طراحی و اجرا	: دفتر فنی نشر فرهنگستان اندیشه
مدیر تولید	: محمدرضا ملکی‌ها
تعداد صفحات	: ۱۱۹ صفحه / قطع رقی
نوبت چاپ	: چاپ اول / ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
بها	: ۵۰۰/۰۰۰ ریال
دفتر مرکزی	: اصفهان/خیابان کاوه/خیابان شهید باهنر/ابتدای خیابان آیت‌الله‌خادمی/بنیاد فرهنگی بقیه‌الله (عج)
دفتر انتشارات	: تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۷۸۷۲۴؛ دویگان: ۰۲۱-۲۲۲۸۵۱۰۲
baghyatallah@chmail.ir	

آشنایی با قرآن کریم

از مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم"

به اهتمام حسن صفرزاده تهرانی

نویسنده: حسن صفرزاده تهرانی

تدوین و ویراستار: اکرم ویسی

طراح و صفحه آرا: محمد صفرزاده تهرانی

به اهتمام مؤسسه پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

مؤسسه پژوهشی قرآن و عترت
صبح روشن

پاییز ۱۴۰۰

تقدیم به:

حاملان وحی و مَنْ خُوِطِبَ بِهِ

و همه کسانی که در نشر فرهنگ قرآن کریم

همه هستی خود را فدا کردند

خاصه پدر و مادرم که مرا در کودکی

با قرآن کریم آشنا ساختند.

*وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی، رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم از "ادّبی رَبِّی" دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند.

*متمقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان "هدی لِلْمُتَّقین" هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند.

*هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدّس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند، تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست؛ تا بی‌خبران نگویند عرفان و فلسفه، بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک، کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیا است، یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است و بر سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر بر سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

«امام خمینی رحمت الله علیه»^۱

۱	پیش‌گفتار
۲	مقدمه
۴	فصل اول: ما و قرآن کریم
۴	بخش اول: تأسف بزرگان در کوتاهی نسبت به قرآن کریم
۴	فیلسوف ملاصدرای شیرازی
۵	فیلسوف فیض کاشانی
۵	رهبر کبیر انقلاب اسلامی
۷	بخش دوم: امام خمینی و قرآن کریم
۷	پیام به زائران بیت الله الحرام
۷	انس با قرآن کریم
۸	متقیان تشنه هدایت
۹	عمر به باد رفته
۱۰	وصیت‌نامه
۱۲	بر کتاب خدا چه گذشت؟
۱۲	حکومت‌های جائر
۱۳	نقش قرآن کریم
۱۴	ما مفتخریم
۱۶	بخش سوم: پیروزی انقلاب اسلامی
۱۶	معجزه قرآن کریم
۱۷	حال سؤال این است
۱۸	آیا تا کنون از خود پرسیده‌ایم

۲۳ فصل دوم: آداب قرآن کریم
۲۳ بخش اول: بهار قرآن کریم
۲۴ بخش دوم: انس با قرآن کریم
۲۶ مرحله اول انس: تلاوت قرآن کریم
۲۶ يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوٰتِهٖ
۲۷ آداب تلاوت قرآن کریم و موانع آن
۲۷ قسمت اول: آداب ظاهری تلاوت قرآن کریم
۲۷ قسمت دوم: آداب باطنی تلاوت قرآن کریم
۳۱ موانع تلاوت قرآن
۳۲ قسمت سوم: موانع ظاهری فهم قرآن کریم
۳۳ قسمت چهارم: موانع باطنی فهم قرآن کریم
۳۴ مرحله دوم انس: تدبیر در قرآن کریم
۳۶ مرحله سوم انس: عمل به قرآن کریم
۴۰ فصل سوم: مقدمات شناخت قرآن کریم
۴۰ بخش اول: ظرف قرآن کریم
۴۰ ظرف زمانی نزول قرآن کریم
۴۰ ظرف مکانی نزول قرآن کریم
۴۱ کیفیت نزول قرآن کریم
۴۲ بخش دوم: تعلیم قرآن کریم
۴۲ تعلیم قرآن کریم
۴۳ معلم قرآن کریم

- یکی از وظایف پیامبر..... ۴۳
- تعلیم و تعلم قرآن کریم در روایات..... ۴۳
- بخش سوم: ضرورت شناخت قرآن کریم..... ۴۵
- بخش چهارم: منابع شناخت قرآن کریم..... ۴۷
- قرآن کریم، بهترین منبع شناخت..... ۴۷
- مَنْ خُوِّطَ بِهِ، بهترین منبع شناخت..... ۴۸
- بخش پنجم: آشنایی با زبان قرآن کریم..... ۴۹
- زبان اول: زبان منطق و استدلال..... ۵۰
- زبان دوم: زبان دل و احساس..... ۵۱
- فصل چهارم: شناخت قرآن کریم..... ۵۷
- بخش اول: قطعیت و اتقان قرآن کریم..... ۵۸
- اول: اتصال به منبع لایزال الهی..... ۵۸
- دوم: ابلاغ وحی..... ۵۸
- سوم: دریافت وحی..... ۵۹
- چهارم: رسالت و نبوت..... ۵۹
- پنجم: محتوای قرآن کریم..... ۶۰
- تحدی قرآن کریم..... ۶۱
- بخش دوم: جامعیت قرآن کریم..... ۶۳
- دلالت آیات بر جامعیت قرآن کریم..... ۶۳
- روایات و جامعیت قرآن کریم..... ۶۴
- اندیشمندان و جامعیت قرآن کریم..... ۶۴

۶۵ امام خمینی
۶۷ بخش سوم: جهانی بودن قرآن کریم
۶۷ جهان شمول بودن قرآن کریم
۶۷ آیات و جهان شمول بودن قرآن کریم
۶۸ جهان شمول بودن رسالت پیامبر
۷۰ روایات و جهان شمول بودن قرآن کریم
۷۱ بخش چهارم: جاودانگی قرآن کریم
۷۱ آیات و جهان جاودانگی قرآن کریم
۷۱ روایات و جهان جاودانگی قرآن کریم
۷۲ تغییر ناپذیری قرآن کریم
۷۴ بخش پنجم: نورانیت قرآن کریم
۷۴ حقیقت نور
۷۵ آن چه به نور تشبیه شده است
۷۵ علم و دانش
۷۶ دین مبین اسلام
۷۶ ایمان
۷۶ هدایت الهی
۷۷ قرآن کریم
۷۷ پیامبر گرامی اسلام
۷۷ امامت و ولایت
۷۸ خداوند نور آسمان و زمین است

۷۸ چگونه قرآن، نور است؟
۸۲ بخش ششم: هدایتگری قرآن کریم
۸۲ معنای هدایت
۸۲ آیات و هدایت قرآن کریم
۸۳ گستره کمی هدایت قرآن کریم
۸۳ گستره کیفی هدایت قرآن کریم
۸۳ مراتب بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم
۸۴ شرط استفاده از هدایت قرآن کریم
۸۵ منابع کتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا داریم که از کتاب مقدسی که «تَبْیَانُ کُلِّ شَیْءٍ» است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند.

(امام خمینی رحمت الله علیه)

کتاب "آشنایی با قرآن کریم" از مجموعه کتاب‌های "نمی ازیم" در ۴ فصل و ۱۵ بخش، با هدف آشنایی با قرآن کریم، حاوی مطالب کاربردی و مورد نیاز برای آشنایی بیشتر و بهتر علاقمندان با قرآن کریم و برای آگاهی بهتر نسبت به وظیفه مسلمانان در برابر این کتاب مقدس؛ تدوین شده است.

کتاب "آشنایی با قرآن کریم" به همت دانشمند ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسن صفرزاده تهرانی به رشته تحریر درآمده و به اهتمام مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن منتشر شده است و به شیفتگان و علاقمندان قرآن کریم و دلدادگان این کتاب مقدس تقدیم می‌گردد.

مؤسسه فرهنگی پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن

ماه مبارک رمضان ۱۴۴۳

مصادف با اردیبهشت ۱۴۰۱

مقدمه

کتاب "آشنایی با قرآن کریم"، از مجموعه کتاب‌های "نمی ازیم" با هدف آشنایی با قرآن کریم، حاوی مطالب کاربردی و مورد نیاز برای آشنایی بیشتر علاقمندان با قرآن کریم و برای آگاهی بهتر نسبت به وظیفه در برابر این کتاب مقدس است.

اصل در تدوین این کتاب بیان مطالب ضروری در رابطه با قرآن کریم است و از مباحث علمی پیچیده که اثر عملی ندارد و همچنین از مباحث فرعی و لفظی که در محتوا نقشی ندارد خودداری شده است.

در تدوین این کتاب سعی شده از چند جهت از مباحث علمی در باره قرآن کریم پرهیز شود. از یک سو دست نویسندگان از درجات علمی این کتاب مقدس کوتاه است و از سوی دیگر علماء و دانشمندان علوم قرآنی در این باب، چیزی فروگذار نکرده‌اند و از سوی سوم نکات علمی منحصراً به اهل علم و فضل است و هدف تدوین این کتاب استفاده‌ی عموم است و از سوی چهارم مقصود مهم از نزول قرآن کریم برای تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس است و پرداختن به مباحث علمی درباره این کتاب مقدس، به دور از مقصود است.

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در مقدمه کتاب جنود عقل و جهل به تفصیل به این موضوع پرداخته و می‌فرماید: مقصد قرآن و حدیث تصفیة عقول و تزکیة نفوس است نه جهات ادبی و فلسفی و تاریخی و امثال آن.

بر این اساس در تدوین این کتاب سعی شده است مطالبی آورده شود تا خواننده را به وظیفه‌اش نسبت به قرآن کریم آشنا نماید و کوتاهی‌ها نسبت به این کتاب مقدس را در حد امکان گوش‌زد نماید و نمی از دریای بیکران قرآن را نمایان سازد ان‌شاء الله و مرضی حضرت حق قرار گیرد.

حسن صفرزاده تهرانی

ماه مبارک رمضان ۱۴۴۳

مصادف با اردیبهشت ۱۴۰۱

فصل اول ما و قرآن کریم

فصل اول: ما و قرآن کریم

بخش اول: تأسف بزرگان در کوتاهی نسبت به قرآن کریم

بسیاری از بزرگان، با آن که از نظر علمی به درجات اعلی رسیده و در رشته‌های علوم سرآمد همه دانشمندان زمان خود بوده و از خود آثار گران‌بهای بجای گذاشته و خدمات علمی بسیاری داشته و عالمان وارسته و اساتید مبرز را تربیت کرده‌اند؛ با این حال از این که وقتشان را صرف علوم مختلف کرده و کمتر سراغ قرآن کریم رفته‌اند، در حسرت سوخته و اظهار تأسف کرده‌اند که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

فیلسوف ملاصدرای شیرازی

یکی از حکما و فلاسفه که در کوتاهی نسبت به قرآن کریم اظهار تأسف می‌کند، ملاصدرای شیرازی قدس سره است. آن بزرگوار، حکیم، فیلسوف، عارف شیعی و بنیانگذار حکمت متعالیه است و از این که به علوم دیگر بیشتر از قرآن کریم توجه کرده است اظهار تأسف می‌کند و در مقدمه تفسیر سوره واقعه می‌نویسد: بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم، ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خودم را از علوم واقعی خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبّر در قرآن و روایات محمد و آل محمد علیهم السلام بروم. یقین کردم که کارم بی اساس بوده است، زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم. از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید، تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبّر در قرآن کردم، در خانه وحی را کوبیدم، درها باز شد و پرده‌ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: **سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا**

خَالِدِينَ؛^۲ سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.

فیلسوف فیض کاشانی

از دیگر حکما و فلاسفه که در کوتاهی نسبت به قرآن کریم اظهار تأسف می‌کند، فیض کاشانی قدس سره است. آن بزرگوار حکیم، محدث، عارف و فقیه شیعی است که با بیش از صد اثر علمی و تربیت دهها عالم وارسته و استادان مبرز در چندین رشته تخصصی دارد؛ در رساله انصاف خود از این که به علوم دیگر بیشتر از قرآن کریم توجه کرده است اظهار تأسف می‌کند و می‌نویسد: عمرم رفت و در چند رشته تخصص داشتم و کتابها نوشتم، رساله‌ها نگاشتم و تحقیقاتی کردم؛ ولی در هیچ‌یک از این علوم دارویی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم، بر خود ترسیدم و انابه کردم و به سراغ تدبّر در قرآن رفتم.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی

امام خمینی قدس سره، خالق انقلاب اسلامی و کسی که در طول تاریخ اسلام مثل و مانند او در احیاء دین محمدی نیامده است؛ در گفتاری، از این که تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده، تأسف می‌خورد و به حوزه‌ها و دانشگاه‌ها سفارش می‌کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه رشته‌ها، مقصد اعلای خود قرار دهند تا مبادا در آخر عمر بر ایام جوانی تأسف بخورند. آن بزرگوار به مناسبت حج سال ۱۳۶۵ در پیامی حوزویان و دانشگاهیان را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: این جانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته

۲- زمر، آیه ۷۳

خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محط نظر و مقصد‌اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده...^۳

۳ - رنج‌نامه‌ای درباره تفسیر قرآن، سال ۱۳۸۸

بخش دوم: امام خمینی و قرآن کریم

دیدگاه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی درباره قرآن کریم چه تکان‌دهنده و چه روشن‌گرانه است و توصیه‌های آن مروج اسلام محمدی درباره قرآن کریم چه به جان می‌نشیند و تشنگی را از دل و جان می‌زداید.

مروج قرآن کریم و احیاگر دین محمدی، امام خمینی رحمت الله علیه بهترین راه را برای معرفت قرآن کریم بر روی عاشقان و دلدادگان قرآن کریم گشود و در پیامی به زائران بیت الله الحرام و در وصیت‌نامه سیاسی، دیدگاه ارزشمند خود را همچون چراغی پرفروغ برای شیفتگان و تشنگان معرف الهی افروخت. که به قسمتی از آن دو باب اشاره می‌شود.

پیام به زائران بیت الله الحرام

امام خمینی به مناسبت حج سال ۱۳۶۵ در پیامی به زائران بیت الله الحرام درباره قرآن کریم تذکراتی را بیان می‌فرماید^۴:

انس با قرآن کریم

به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقع معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از "انس با قرآن کریم"، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هرچه دارند و خواهند داشت، در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است.

۴ - صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۱

از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که "تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ" است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع "مَنْ حُوِطَبَ بِهِ" از اسرار آن، کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او، خُلص اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه، خُلص اهل معرفت به پرتویی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر، بهرمنند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است؛ خدای نخواستہ مباد که مهجور شود.

و اگر چه ابعاد مختلف آن و در هر بُعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است؛ لکن به اندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته‌های مختلف، به بیان‌ها و زبان‌های متفاوت نزدیک به فهم، از این خزینه لایتناهی عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌هایی بردارند و به دیگران منتقل کنند.

متقیان تشنه هدایت

اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده، در دسترس اهلش قرار دهند.

وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی، رشحه و جرعه‌ای از آنچه قلب عوالم از "ادّٰبِی رَبِّی" دریافت فرموده، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مؤدب به آداب الله تا حد میسور نمایند. متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان "هُدٰی لِّلْمُتَّقِیْنَ" هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند.

بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدّس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند، تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست؛ تا بی‌خبران نگویند عرفان و فلسفه، بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک، کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیا است، یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است و بر سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر بر سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.^۱

عمر به باد رفته

این جانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می‌گویم از عمر به باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند

۱ - صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۲

اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید.

تدریس قرآن را در هر رشته‌ای از آن، مورد توجه و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده‌ها پشیمان و تاسف بر ایام جوانی بخورید.

وصیت‌نامه

امام خمینی رحمت الله علیه در مقدمه وصیت‌نامه خود اشاره‌ای کوتاه از آنچه بر قرآن کریم و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام گذشته است آورده و می‌فرماید:^۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ
 كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَكَ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَظَاهِرِ جَمَالِكَ
 وَجَلَالِكَ وَخَزَائِنِ اسرارِ كِتَابِكَ الَّذِي تَجَلَّى فِيهِ الْأَحَدِيَّةُ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ
 حَتَّى الْمُسْتَأْتَرِ مِنْهَا الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُكَ؛ وَاللَّعْنُ عَلَى ظَالِمِيهِمْ أَصْلِ
 الشَّجَرَةِ الْخَبِيثَةِ.

و بعد اینجانب مناسب می‌دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب ثقلین تذکر دهم، نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است؛ و نه از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام والای "ثقل

۷ - صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۳۹۳

اکبر" و "ثقل کبیر" که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است؛ و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود، بلکه مناسب دیدم اشاره‌ای کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله «لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک، مهجوریت دیگری است، تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند و آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال قطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد؟ و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گذشته بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است.

ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بطور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی‌خبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

بر کتاب خدا چه گذشت؟

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ما ترک پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مسائل تأسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد. پس از شهادت علی عَلَيْهِ السَّلَام شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دریافت کرده بودند و ندای «اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَانِ» در گوششان بود را، با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده عقب زدند، در حقیقت قرآن را که برای ورود بشریت به حوض، بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و هست؛ از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمان‌های این کتاب مقدس بوده و هست؛ خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار بجایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.^۸

حکومت‌های جائر

و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجی‌ها و انحراف‌ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الاسماء را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله، معصومین علیهم صلوات الاولین و الاخرین بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت

۸ - صحیفه، ج ۲۱، ص ۳۹۵

است بسپارند؛ چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار بجایی رسید که نقش قرآن بدست حکومت‌های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد.^۹

نقش قرآن کریم

و مع الأُسف قرآن این کتاب سرنوشت ساز، به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان جاهل، نقشی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آن که باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی بر می‌آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و قرآن و سنت مشحون آن است سخنی می‌گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی‌دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرت‌های شیطانی بزرگ بوسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابر قدرت‌ها، قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حيله شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمد رضاخان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی

۹ - همان

می‌کند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند و مردم و ملت‌های غافل را سوق بسوی ابر قدرت‌ها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.^{۱۰}

ما مفتخریم

ما مفتخریم و ملت عزیز سر تا پا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و بعنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را بسوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد.

و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمومنین علی بن ابی طالب این بنده رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌هاست.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است. ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر مهدی صاحب زمان علیهم آلاف التحیات والسلام که به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند از ائمه معصومین ما است. مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیهما السلام و صحیفه سجاده این زبور آل محمد و صحیفه

۱۰ - صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۹۶

فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که باقرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ماست. ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است و فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند.

و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلف ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.^{۱۱}

خداوندا، تو از درون و برون همه آگاهی، بر ما ترحم فرما و لسان صدق و نیت خالص و توفیق عمل و معرفت و عبودیت خودت و پیوند با آنچه امر به پیوستن با آنها و گسستن از آنچه امر به دوری از آنها فرموده‌ای عطا فرما...

۱۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۷

بخش سوم: پیروزی انقلاب اسلامی

قرآن کریم بزرگترین دستورالعمل زندگی مادی و معنوی است؛ که برای هدایت و رشد و کمال بشر آمده است. نسخه‌ی نجات‌بخش بشری و سفره گسترده الهی است که پویندگان را به سرمنزل سعادت و کمال ابدی می‌رساند. آداب و سنن الهی و یکتا کتاب تهذیب نفوس است، که نجات دهند انسان از دام‌های گسترده شیطان و هوای نفس است. بزرگترین وسیله ربط بین خالق و خلق، عروة الوثقی، حبل المتین الهی و سلوک الی الله است، که سعادت و رستگاری بشر را تضمین کرده است. توجه به این کتاب مقدس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روند صعودی چشمگیری داشته است، اما با وجود تمام تلاش‌ها؛ فعالیت‌های قرآنی کمتر به صورت جامع و سازمان یافته عرضه شده است و از مواهب سرشار قرآن کریم و از مواظبت حکیمانانه آن کمتر بهره برده شده است و علوم بی‌پایان آن، توسط اهل تحقیق، به روی جهانیان، کمتر گشوده شده است.

معجزه قرآن کریم

یکی از معجزات قرآن کریم آن است که از مردم وحشی و پابرهنه و دور از تمدن شبه جزیره عربستان؛ انسانهای ارزشمند، وارسته، پاکبخته، عاشق و از خود گذشته ساخت و آنان را به مجاهدانی تبدیل کرد که توانستند با بزرگترین قدرت‌های زمان مقابله کنند و پیروز شوند و مکتب نجات‌بخش اسلام را ترویج نمایند و آن را ماندگار سازند.

حال سؤال این است

قرآن کریمی که مردم وحشی و پابرنه و دور از تمدن شبه جزیره عربستان را متحول کرد و از آنان انسانهای پاکدامن و شایسته، و مجاهدان دلیر و وارسته ساخت؛ چرا امروز چنین اثری کمتر از او دیده می‌شود؟ آیا قرآن کریمی که در بین ماست، با قرآن کریمی که در صدر اسلام بوده است فرق دارد؟! یا مواهب معجزه آسای آن از دست رفته است؟! یا ما با مسلمانان صدر اسلام فرق داریم؟!

نه قرآن کریم فرق دارد و نه مواهب معجزه آسای آن از دست رفته است؛ بلکه ما با مسلمانان صدر اسلام فرق داریم، شناخت، ایمان، تلاوت، تدبّر و عمل‌مان، تمسک و رجوع‌مان به قرآن کریم با مسلمانان صدر اسلام فرق دارد! ما قرآن کریم را خوب نشناختیم، مواظب راه‌گشای آن را بکار نبستیم، بیماری‌هایمان را با نسخ قرآنی درمان نکردیم، بیچارگی‌هایمان را با آن چاره نکرده و برای رفع مشکلات از راهنمایی‌های آن بهره نبردیم.

راستی مخاطبین آیه: **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ**^{۱۲}؛ این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند! یا مخاطبین آیه: **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ**^{۱۳}؛ ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! یا مخاطبین آیه: **أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا**^{۱۴}؛ آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل

۱۲ - سوره ص، آیه ۲۹

۱۳ - قمر، آیه ۱۷

۱۴ - محمد، آیه ۲۴

نهاده شده است؟! و یا مخاطبین آیه شریفه: **خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ**^{۱۵}، چه کسانی هستند؟

راستی مخاطبین فرمان نجات بخش رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود: **إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ الْيَلِ الْمُظْلِمِ**، **فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ**؛^{۱۶} هنگامی که فتنه ها، هم چون پاره های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جویند؛ چه کسانی هستند؟

آیا تا کنون از خود پرسیده ایم

آیا قرآن کریمی که: **غَيْرَ ذِي عِوَجٍ**^{۱۷} است و **لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ**^{۱۸} و صف اوست و خود را **تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ**^{۱۹} معرفی کرده است و به **لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ**^{۲۰} توصیف شده است؛ در جوامع اسلامی جایگاه خود را پیدا کرده است؟
آیا جامعه اسلامی بر **تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ** بودن قرآن کریم واقف است؟
آیا جامعه علمی و پژوهشی، قرآن کریم را منبع همه علوم می داند؟ آیا جامعه اسلامی قبول دارد که قرآن کریم همه نیازهای بشری را برای زندگی شرافت مندانه پاسخ داده است؟ آیا برای حاکمیت قرآن کریم در جامعه، به فرمان **خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ**^{۲۱} عمل شده است؟ و آیا همه ابعاد گوناگون قرآن کریم برای ساخت جامعه اسلامی، مورد بررسی قرار گرفته است؟

۱۵ - مریم، آیه ۱۲

۱۶ - اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹

۱۷ - زمر، آیه ۲۸

۱۸ - فصلت، آیه ۲۴

۱۹ - نحل، آیه ۸۹

۲۰ - انعام، آیه ۵۹

۲۱ - مریم، آیه ۱۲

آیا دستور نجات بخش رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود: **إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ، كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ**^{۲۲}؛ مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا برای رهایی از مہجوریت قرآن کریم و برای نجات از شکایت پیامبر گرامی اسلام در روز قیامت: **وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا**^{۲۳}؛ و پیامبر عرضه داشت: پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند؛ چاره جویی شده است؟

آیا نقش قرآن کریم در تدوین قوانین، در اداره کشور، در اقتصاد و سیاست، در فرهنگ و اجتماع، در حل اختلافات و دعاوی، در وقایع و حوادث، در طرح‌ها و عملکردها، در ارزیابی‌ها و امتیاز دهی‌ها، در تولیدات سمعی و بصری، در فضای نو و جدید، در دانشگاه و حتی حوزه علمیه؛ نمایان است؟ سهم آن چه مقدار است؟

آیا غیر از این است که هر مصیبتی که امروز به مسلمانان می‌رسد به خاطر دوری و غفلت از قرآن کریم است؟ آیا غیر از این است که سکوت و تسلیم مسلمانان در مقابل جاهلیت مدرن که دستاوردهایش را با وحشی‌ترین روش‌ها، به نام تمدن به خورد مردم جهان می‌دهد؛ به خاطر تبیین نشدن معارف بلند قرآنی است؟

آیا هجمه فرهنگی یا تهدیدات فرهنگی یا شبیخون فرهنگی که جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار داده است و روزانه صدها نفر را به کام خود می‌کشاند جز با قرآن کریم دفع می‌شود؟ آیا ناهنجاری‌ها و بحران‌های اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، جز با نسخه‌های نجات بخش قرآن کریم مرتفع و به هنجار تبدیل می‌شود؟ آیا با همه دشمنی‌ها که با اسلام و مسلمین و نظام اسلامی در قالب اسلام

۲۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۹

۲۳ - فرقان، آیه ۳۰

هراسی، اسلام گریزی و اسلام ستیزی صورت می‌گیرد؛ جز رجوع به قرآن کریم، راه دیگری برای مبارزه با این همه دشمنی‌ها وجود دارد؟ در حقیقت ما فرمان **خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ**^{۲۴} را گردن ننهادیم، دستور انس و تدبّر در قرآن کریم را اجرا نکردیم، فرمان نجات‌بخش رسول گرامی اسلام در مواجهه با بحران‌ها را عملی نساختم، پیروی از این کتاب مقدّس را بر خود واجب نکردیم، تمسک به آن را بر خود لازم ندانستیم، و مراجعه محتوایی به آن را مبنای ارتباطمان با قرآن کریم قرار ندادیم. مراجعه ما به قرآن کریم در حد تشریفات و بسیار سطحی است. حداکثر مراجعه ما به قرآن کریم در حد ظواهر و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم است و برای حفاظت از جان و مال و عزیزانمان، برای مهریه عروس، سوگند یاد کردن، گرفتن بر سر مسافر و بعنوان کتاب استخاره از آن استفاده می‌کنیم.

اگر چنین نیست چرا با تلاوت هر آیه، ایمان ما زیاد نمی‌شود؟ **وَ إِذَا تَلَيْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا**^{۲۵}؛ چرا با تلاوت هر آیه دل ما نمی‌لرزد؟ **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ**^{۲۶}؛ چرا با سوادترین افراد، ساده‌ترین کلمات قرآن کریم را متوجه نمی‌شوند؟ چرا اکثر فارغ التحصیلان یک صفحه قرآن کریم را نمی‌توانند بدون غلط بخوانند؟ آیا برای ما گران نیست که قشر تحصیل کرده در صحیح خواندن قرآن مشکل داشته باشند؟ چرا یعقوب‌وار به خاطر دوری از قرآن کریم ضجّه نمی‌زنیم و مویه نمی‌کنیم؟

۲۴ - مریم، آیه ۱۲

۲۵ - انفال، آیه ۲

۲۶ - همان

اگر با رجوع به قرآن کریم و انس و تدبّر در این کتاب مقدّس، به راه و روش قرآن کریم عمل می‌کردیم و اگر حلاوت و شیرینی‌های قرآن کریم را می‌چشیدیم و اگر تراوت و زیبایی‌های آن را احساس می‌کردیم؛ مانند زلیخا واله و دلداده قرآن کریم می‌شدیم و دنیا را تشنه قرآن کریم می‌کردیم. آیا غیر از این است که اگر مسلمانان به این کتاب مقدّس، درست عمل می‌کردند؛ امروز حاکمیت در سراسر این کره خاکی، با قوانین قرآن کریم بود.

باید از برکات سرشار این کتاب مقدّسی که **تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ** است، استفاده کرد و برای تبیین ابعاد الهی این کتاب مقدّس، دامن به کمر زد و قلم به دست گرفت و آرزوی عاشقان قرآن را برآورد.

باید این کتاب که مرئی نفوس، شفای امراض قلوب و راهنما و هدایتگر انسان به سیر و سلوک الهی است؛ خوب به بشریت معرفی کرد و ابعاد گوناگونش را برای بشریت نمایان ساخت.

باید بر اساس آیه شریفه: **خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ**^{۲۷} قیام کرد و با ترغیب به انس و تدبّر در قرآن کریم، ابعاد الهی این کتاب مقدّس را به دست آورد و با آشنایی با مضامین و معارف قرآنی، جامعه بشری را به سر منزل سعادت و کمال رهنمون ساخت.

باید با استفاده از فنآوری پیشرفته به توسعه و تعمیق معرفت قرآنی پرداخت و با بکارگیری این فنآوری در انتقال به موقع و صحیح مفاهیم و آموزه‌های قرآنی به صورت سازمان یافته، جامع و جذاب کوشید و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، جنگ و صلح قرآن کریم را با برنامه‌ریزی دقیق، مورد بررسی، تحقیق و تدریس قرار داد.

۲۷ - مریم، آیه ۱۲

فصل دوم آداب قرآن کریم

فصل دوم: آداب قرآن کریم

بخش اول: بهار قرآن کریم

قرآن کریم بهار دل‌ها و ماه رمضان بهار قرآن کریم است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام قرآن کریم را بهار دل‌ها معرفی کرده و می‌فرماید: **تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِبْعُ الْقُلُوبِ**^{۲۸}؛ آن را نیک بفهمید که بهار دل‌هاست. و امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام ماه مبارک رمضان را بهار قرآن کریم معرفی کرده و می‌فرماید: **لِكُلِّ سَيِّءٍ رِبْعٌ وَ رِبْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ**^{۲۹}؛ برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.

ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن کریم، ماه تجلی قرآن کریم، ماه بهار قرآن کریم، ماه انس با قرآن کریم، ماه شناخت قرآن کریم، ماه بهره برداری فکری و عملی از قرآن کریم و عمل به آموزه‌های قرآن کریم است. ماه مبارک رمضان، بهترین زمان برای ارتباط با قرآن کریم است. تلاوت قرآن کریم یکی آداب فردی ماه مبارک رمضان است. پیامبر گرامی اسلام در خطبه شعبانیه می‌فرماید: **وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ**^{۳۰}؛ و هر کس در این ماه تلاوت آیه ای از قرآن کند، ثواب ختم قرآن در ماه‌های دیگر را دارد و در دعای روز دوم ماه مبارک رمضان آمده است: **وَفَقَّنِي فِيهِ لِقَاءَ آيَاتِكَ**؛ خدایا مرا در این روز برای قرائت آیات قرآن موفق کن. و در دعای بیستم ماه مبارک رمضان آمده است: **وَفَقَّنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ**؛ خدایا مرا در این روز برای تلاوت قرآن توفیق ده.

۲۸ - نهج البلاغه صبحی صالح، ج ۱، ص ۱۶۴

۲۹ - الکافی - ط الاسلامیه، ج ۲، ص ۶۳۰

۳۰ - الأمالی، ج ۱، ص ۱۵۵

پس با روزه، عبادت، راز و نیاز و تحول معنوی، باید از برکات این کتاب مقدس بهره گرفت و ارتباط با قرآن کریم را مستحکم و استوار نمود.

بخش دوم: انس با قرآن کریم

از آن جایی که قرآن کریم، حلقه اتصال آسمان و زمین است، برای آسمانی شدن و رهایی از گرفتاری‌های زمین، باید با قرآن کریم مأنوس شد بر این اساس دین مبین اسلام مسلمانان را به انس با قرآن کریم دستور داده و در آیات و روایت بر آن سفارش بسیار شده است. پیامبر گرامی اسلام چنان با قرآن کریم مأنوس بود که مردم کوچه و بازار، خانه آن بزرگوار را به انس با کلام وحی و زمزمه آیات آن می‌شناختند.

انس پیامبر گرامی اسلام با قرآن کریم و تلاوت آیات وحی، چنان دلنشین بود که حتی دشمنان را به خود جذب کرده بود. ابن هشام مورخ مشهور روایت می‌کند که: یک شب ابوسفیان و ابوجهل و اخنس بن شریق ثقفی هر یک به تنهایی و بدون اطلاع دیگری آمدند تا از پشت دیوار خانه پیغمبر، صدای تلاوت قرآن او را بشنوند، هر کدام جایی را انتخاب کردند و تا هنگام طلوع فجر نشستند و گوش به تلاوت قرآن پیغمبر دادند و همین که هوا روشن شد، برخاستند تا بروند، هر سه با هم برخورد کردند و رازشان برملا شد و یکدیگر را سرزنش کردند که دیگر چنین نکنند که اگر ساده لوحان ببینند، به قرآن کریم متمایل شوند. با این وصف، شب دوم نیز هر سه نفر برخلاف تعهدی که نمودند و به خیال آن که دیگران نمی‌آیند؛ آمدند و هر کدام درجایی نشسته و از پشت دیوار خانه پیغمبر گوش به آهنگ دلنشین قرائت قرآن او دادند و سپیده دم تا برخاستند بروند باز درمیان راه به هم رسیدند و هر کدام فهمیدند

که کجا بوده‌اند و چه می‌کردند! و همان سخنان شب قبل میان آنها در گرفت و سپس از هم جدا شدند، به این شرط که دیگر تکرار نکنند. با این وصف، سومین شب هم این صحنه تکرار شد و چون صبح هنگام باز یکدیگر را دیدند یکی از آنها گفت: نباید از هم جدا شویم مگر این که قول شرف بدهیم که دیگر اقدام به این کار نکنیم. این تعهد را سپردند و از هم جدا شدند.^{۳۱}

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در باره انس با قرآن کریم می‌فرماید: **مَنْ أَنْسَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوَحِّشْهُ مُفَارَقَةَ الْإِخْوَانِ؛**^{۳۲} هر کس با قرآن انس گیرد، از جدایی دوستان، وحشتی نخواهد داشت. همچنین در جواب گروهی که هنگام سفر از ایشان توصیه‌ای خواسته بودند، فرمود: اگر به دنبال مونس می‌گردید، قرآن برایتان کافی است.

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در باره انس با قرآن کریم می‌فرماید: **لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ؛**^{۳۳} اگر همه مردم از مشرق تا مغرب بمیرند تا زمانی که قرآن با من باشد، از تنهایی نمی‌حراسم.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در باره کم و کیف انسش با قرآن کریم می‌فرماید: **لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أُخْتِمَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَخْتَمْتُ وَلَكِنْ مَا مَرَزْتُ بِأَيَّةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَفِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ فَلِدَلِكَ صَبَرْتُ أُخْتِمُهُ فِي ثَلَاثٍ؛**^{۳۴} اگر خواسته باشم که در کمتر از سه روز قرآن را ختم کنم، می‌توانم، ولی هرگز هیچ آیه‌ای را نخوانده‌ام، مگر این که در معنای آن اندیشیدم و درباره این که آیه در چه موضوع و در چه وقت نازل شده فکر کردم؛ از این رو هر سه روز قرآن را می‌خوانم.

۳۱ - تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، ص ۱۶۴

۳۲ - غرر الحکم و درر الحکم، ج ۱، ص ۶۳۸، ح ۱۱۳۶

۳۳ - کافی، ج ۲، ص ۶۰۲

۳۴ - بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، ج ۴۹، ص ۹۰

انس با قرآن کریم که بر سه مرحله استوار است و این سه مرحله بر یکدیگر مترتب است: اول تلاوت قرآن کریم، دوم تدبّر در قرآن کریم و سوم عمل به دستورات قرآن کریم.

مرحله اول انس: تلاوت قرآن کریم

مرحله اول انس با قرآن کریم تلاوت است. خداوند تبارک و تعالی به قرائت و تلاوت قرآن کریم دستور داده و می‌فرماید: **فَاقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ**؛^{۳۵} هر چه امکان دارد قرآن را بخوانید و برای انس بهتر با قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: **وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً**؛^{۳۶} و قرآن را با توجه و شمرده بخوان.

امام صادق **عَلَيْهِ السَّلَام** به تلاوت روزانه قرآن کریم سفارش کرده و می‌فرماید: **الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ، فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ، وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً**؛^{۳۷} قرآن کریم، میثاقی است بین خالق و مخلوق، پس شایسته است مسلمان، هر روز این عهدنامه را ملاحظه نماید و حداقل پنجاه آیه از آن را بخواند.

يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ

در تلاوت و قرائت قرآن کریم، باید حق تلاوت ادا شود: **يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ**؛^{۳۸} چنان که شایسته آن است آن را می‌خوانند. ادا شدن حق تلاوت، به رعایت آداب تلاوت و رفع موانع تلاوت است که همه آن در

۳۵ - مزمل، آیه ۲۰

۳۶ - همان، آیه ۴

۳۷ - الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹

۳۸ - بقره، آیه ۱۲۱

ابواب مربوط به تلاوت قرآن کریم به تفصیل بیان شده است و در این بخش به صورت اختصار به آن اشاره می‌شود.

آداب تلاوت قرآن کریم و موانع آن

تلاوت قرآن کریم دارای دو نوع آداب و دو نوع موانع است: آداب ظاهری و باطنی و موانع ظاهری و باطنی و در این نوشتار به صورت اختصار در چهار قسمت بیان می‌شود.

قسمت اول: آداب ظاهری تلاوت قرآن کریم

اول: طهارت و با وضو بودن: **لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ**^{۳۹}. طهارت برای آن است که انسان از این کتاب مقدس بتواند بهتر بهره معنوی ببرد.

دوم: از شر شیطان به خدا پناه بردن: **فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**^{۴۰}. استعاذه برای آن است که شیطان در بهره‌وری قاری از قرآن کریم، کمتر مانع تراشی کند.

سوم: قرآن کریم را شمرده و آرام تلاوت کردن: **وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا**^{۴۱}. تلاوت قرآن کریم به صورت ترتیل برای این است که شیرینی قرآن در جان قاری نفوذ کند و جاذبه‌های طنین صدای دلنواز آن، روح انسان را بنوازد و انسان را مجذوب خود نماید.

قسمت دوم: آداب باطنی تلاوت قرآن کریم

اول: توجه به عظمت قرآن کریم: توجه به عظمت کلام الهی که از عرش جلال، به نزول اجلال مزین شد و لباس حروف پوشید تا انسان

۳۹ - واقعه، آیه ۷۹

۴۰ - نحل، آیه ۹۸

۴۱ - مزمل، آیه ۴

طاقت شنیدن آن‌ها را پیدا کند و به فهم آن نزدیک شود و اگر حقیقت کمال کلام الهی لباس حروف نمی‌پوشید، نه عرش را توانایی شنیدن آن بود و نه ما تحت الثری؛ بلکه اجزایشان متلاشی می‌شد: **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ**؛^{۴۲} اگر ما این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم می‌دیدیم آن را که ذلیل می‌شد و از هم شکافته می‌گردید.

دوم: توجه به عظمت خداوند: عظمت خداوند تبارک و تعالی در کلامش نمایان است. امام صادق علیه‌السلام: **لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِحَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لِكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ**؛^{۴۳} خداوند خود را در کلامش به مردم نشان داده است، ولی نمی‌بینند.

سوم: حضور قلب داشتن: در هنگام تلاوت حضور قلب داشتن و متمرکز شدن در کلام الهی و دوری از افکار دنیوی.

چهارم: خشوع داشتن: در هنگام تلاوت حالت خشوع داشتن، قرآن کریم می‌فرماید: **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ**؛^{۴۴} آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده، خاشع گردد؟

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: **فَقَارِي الْقُرْآنِ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ، قَلْبٌ خَاشِعٌ وَ بَدَنٌ فَارِعٌ وَ مَوْضِعٌ خَالٍ فَإِذَا خَشَعَ لِلَّهِ قَلْبُهُ فَرَمَنَهُ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ**؛^{۴۵} قاری قرآن، محتاج به سه چیز است: دلی خاشع، و بدنی فارغ و مکانی خلوت؛ زیرا هرگاه دل او خاشع باشد شیطان از او می‌گریزد. چون بدن او از مشاغل فارغ باشد، دل او متوجه قرآن خواندن می‌شود و عارضه‌ای عارضش نمی‌شود که او را از نور قرآن و فواید آن

۴۲ - حشر، آیه ۲۱

۴۳ - بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷

۴۴ - حدید، آیه ۱۶

۴۵ - بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۴۳

محروم سازد. چون در مکان خلوتی باشد و از خلق کناره گرفته باشد، باطن او با خدا انس می‌گیرد و حلاوت خطاب‌های الهی را که با بندگان صالح خود کرده، می‌یابد و لطف او را به ایشان می‌داند. **فَإِذَا شَرِبَ كَأْسًا مِنَ الْمَشْرَبِ حِينَيْدٌ لَا يَخْتَارُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْحَالُ حَالًا وَلَا عَلَيَّ ذَلِكَ الْوَقْتُ وَقَتًا بَلْ يُؤْتِرُهُ عَلَيَّ كُلِّ طَاعَةٍ لِأَنَّ فِيهِ الْمُنَاجَاةَ مَعَ الرَّبِّ بِلَا وَسِطَةٍ؛^{۴۶}** و چون از این مشرب جامی نوشید. هیچ حالی را بر این اختیار نمی‌کند و هیچ وقتی را از این خوش‌تر نمی‌دارد؛ زیرا در آن وقت بی‌واسطه در مناجات با پروردگار است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در روایت دیگری می‌فرماید: **مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَخْضَعْ لِلَّهِ وَ لَمْ يَزِقْ قَلْبُهُ وَ لَمْ يُنْشِئْ حُزْنَ وَ وَجَلًا فِي سِرِّهِ فَقَدْ اسْتَهَانَ بِعَظَمِ شَأْنِ اللَّهِ وَ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا؛^{۴۷}** هرکه تلاوت قرآن کند و تلاوت او مقارن خضوع و خشوع نباشد و از تلاوت قرآن، او را رقتی حاصل نشود و ترس الهی در دل او به هم نرسد، پس به تحقیق که سهل گرفته مرتبه و منزلت قرآن را و حقیر شمرده است مرتبه‌ی صاحب قرآن را و چنین قاری، هر آینه در نهایت زیانکاری است.

پنجم: خداوند را حاضر و ناظر دانستن: چنان تصور کند که در حضور پروردگار ایستاده و قرآن می‌خواند و خدای تعالی به او نظر می‌کند و کلام او را می‌شنود.

ششم: در فهم حقایق آیات تلاش کردن: تلاش در فهم معانی آیات و پس از آن تلاش در فهم حقیقت آیات: **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ؛^{۴۸}** این کتابی است پربركت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند.

۴۶ - عرفان اسلامی تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه ، ج ۵، ص ۲۳۵

۴۷ - بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۴۳

۴۸ - ص، آیه ۲۹

هفتم: اقرار بر حقانیت آیات: هنگام تلاوت آیات اعتقادی مانند آیات توحیدی یا آیات ارسال رسل یا آیات معاد، اقرار بر حقانیت آن داشتن.

نهم: اندیشه در صفات خداوند: هنگام تلاوت صفات جلال و جمال و اسمای خداوند متعال مانند: **هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ**؛^{۴۹} رسد، در صفات خداوند اندیشه کند و در پی اسرار ان صفات برآید.

دهم: عظمت و جلال الهی ستودن: هنگام تلاوت آیات افعالی خداوند تبارک و تعالی مانند خلقت آسمان‌ها، زمین‌ها، ملائکه، ستارگان، کوه‌ها، حیوانات، نباتات، ابر، باد، باران و غیر این‌ها، عظمت و جلال الهی را ستودن و در هر فعلی، خداوند تبارک و تعالی را دیدن.

یازدهم: خود را در برابر خطاب خداوند قرار دادن: قاری هر خطابی که در قرآن ملاحظه کند، باید چنان تصور کند که مقصود از آن خطاب، اوست و هر قصه از قصص انبیاء را مشاهده نماید، جزم کند که مقصود از آن، عبرت گرفتن اوست. نه محض قصه خوانی و حکایات؛ زیرا که جمیع قرآن، هدایت و ارشاد و رحمت و شفا و موعظه و نور و راهنمایی عالمان است.

دوازدهم: سعی در تحصیل صفات نیک: در تلاوت قرآن کریم هنگامی که به توصیف نیکان می‌رسد، به آنان علاقمند شود و در متصف شدن به صفات آنان بکوشد از خداوند بخواهد تا او را در زمره آنان درآورد.

سیزدهم: ذوق و شوق داشتن: چون به آیه‌ای رسد که دلالت بر وسعت رحمت و وعده مغفرت کند، شاد و فرحناک و ذوق زده گردد و هرگاه به وصف بهشت رسد، اثر شوق به آن در دل او ظاهر شود.

چهاردهم: بیمناک بودن و پناه به خدا بردن: هنگامی تلاوت آیات عذاب، به خدا پناه بردن. چون به آیه‌ای رسد که مشتمل بر تهدید و وعید است، دل او مضطرب و از خوف مرتعش شود و صیحه زند که گویا از شدت بیم، قالب تهی می‌کند. چون به شرح دوزخ رسد، علامات خوف در او پیدا شدن.

پانزدهم: انزجار از بدکاران: در تلاوت قرآن کریم هنگامی که به توبیخ بدکاران می‌رسد، از آنان منزجر شود و از دوری از آنان به خدا پناه برد.

شانزدهم: تأثیرپذیری دل: دل خواننده قرآن کریم متأثر شود به آثار آیات مختلفه پس هنگام تلاوت قرآن، به حسب هر آیه حالات خوف، حزن، شادی، بهجت، بیم، امید، دلتنگی و گشادگی برای او حاصل شدن.

هفدهم: در اندیشه اصلاح برآمدن: همان‌گونه نوشته قرآن کریم را نمی‌شود بدون طهارت دست گذاشت؛ زبان آلوده، هم نمی‌تواند کلام آن را ادا کند و روح آلوده نمی‌تواند هدایت آن را دریافت نماید پس در پی اصلاح بودن.

هجدهم: هنگام تلاوت قرآن کریم سکوت کردن: وقتی شنونده آیات قرآن کریم شد؛ سکوت کند، سکوتی توأم با اندیشه و تفکر: **وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**^{۵۰} و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت حق شوید.

موانع تلاوت قرآن

موانع تلاوت و فهم قرآن کریم همانند آداب تلاوت بسیار است و برای درک صحیح قرآن کریم باید آن موانع برطرف شود.

موانع فهم قرآن کریم دو قسم است: موانع ظاهری و موانع باطنی که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

قسمت سوم: موانع ظاهری فهم قرآن کریم

- قرائت قرآن کریم فقط برای کسب ثواب.
- اهتمام بیش از حد به جلد، خط و اندازه قرآن کریم.
- قرائت قرآن کریم در زمان و مکانی که قاری توجه لازم را ندارد.
- اهتمام بیش از حد به رعایت قوائد قرائت و تجوید و بی‌توجهی به مقصود و حقیقت قرآن کریم است. امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: **ماهُوَ وَاللَّهِ حِفْظُ آيَاتِهِ وَ دَرَسُ حُرُوفِهِ وَ تَلَاوَةُ سُورِهِ وَ دَرَسَ أَعْشَارِهِ وَ أَحْمَاسِهِ؛**^{۵۱} به خدا قسم! حق تلاوت، تنها حفظ کردن آیات و حروف آن و قرائت سوره‌ها و بخش‌های ده‌گانه و پنج‌گانه آن نیست تا حروف قرآن را حفظ کرده و حدود آن را ضایع کرده باشند.
- تلاوت قرآن کریم برای کسب مقام: امام صادق علیه السلام در باره کسانی که قرآن کریم را برای تعریف و تمجید دیگران و کسب مقام تلاوت می‌کنند می‌فرماید: **وَ يُجَاءُ بَعْدِي قَدْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ يَا رَبِّ تَعَلَّمْتُ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءً وَ جِهَكَ فَيَقَالُ لَهُ بَلْ تَعَلَّمْتَ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَوْتِ فُلَانٍ اذْهَبُوا بِهِ إِلَى النَّارِ؛**^{۵۲} روز قیامت بنده‌ای که قرآن را فرا گرفته، آورده می‌شود و او می‌گوید: پروردگارا، من قرآن را به خاطر رضایت و خشنودی تو فرا گرفتم، پس به او گفته می‌شود که تو قرآن را فرا گرفتی تا بگویند فلانی چه صوت زیبایی دارد، او را به سوی آتش ببرید.

۵۱ - مجموعة ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، ج ۲، ص ۲۳۶

۵۲ - بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۸۱

قسمت چهارم: موانع باطنی فهم قرآن کریم

کفر و عناد: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا^{۵۳}»، ما بر دل‌های این ها پرده‌هایی افکنده‌ایم تا قرآن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی قرار داده‌ایم تا صدای حق را نشنوند.

تکبر: چون متکبران در برابر ساحت حق فروتنی و تواضع ندارند، نمی‌توانند درک درستی از قرآن کریم داشته باشند. خداوند درباره اینان می‌فرماید: **سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ^{۵۴}**؛ بزودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیات خود، منصرف می‌سازم!

خودبینی: یکی از شاه‌کارهای مهم شیطان چسبیدن به کمالات موهوم و راضی شدن به آن است. اهل تجوید را به همان علم جزئی و اهل ادب را به همان صورت ظاهری و اهل تفسیر را مباحث الفاظ و اهل علوم دیگر را به دانستن فنون دلالات و وجوه احتجاجات و اهل فلسفه و حکیم و عارف را به اصطلاح‌های رایج سرگرم می‌کند.

گناه و معصیت: یکی از موانع فهم و درک حقایق قرآن کریم، گناه و معصیت است که به سبب طغیان و سرکشی در برابر ساحت قدس الهی قلب آدمی را از فهم و درک قرآن کریم محروم می‌شود. و به همین خاطر است که خداوند می‌فرماید: **إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ . فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ . لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ^{۵۵}**؛ به یقین این قرآن، ارجمند و با ارزش است و در

۵۳ - اسراء، آیه ۴۶

۵۴ - اعراف، آیه ۱۴۶

۵۵ - واقعه، آیه ۷۷-۷۹

لوح محفوظ جای دارد و از هر گونه تحریف و دگرگونی مصون است و به حقایق و اسرار و لطایف آن، جز پاکان، دیگران دسترسی ندارند.

حب دنیا: حب دنیا غفلت می آورد و غفلت قلب انسان را تاریک و سیاه می کند به حدی که نور فطرت را خاموش می کند و توان درک و فهم قرآن کریم را از دست می دهد.

امید که خداوند تبارک و تعالی به حق مقربان درگاهش، همگان را از این موانع و حجاب های فهم و درک قرآن کریم نجات دهد.

مرحله دوم انس: تدبّر در قرآن کریم

مرحله دوم انس با قرآن کریم تدبّر است. تلاوت قرآن کریم گرچه به خودی خود، دارای ثواب بسیار است، اما هدف از تلاوت قرآن کریم، تدبّر در این کتاب مقدّس است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم بارها مسلمانان را به تدبّر در این کتاب مقدّس دستور داده و بر آن تأکید کرده است.

خداوند می فرماید: **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ؛**^{۶۶} این کتابی است پر برکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکر شوند! یا در آیه ای دیگر می فرماید: **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛**^{۶۷} ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟! یا در جایی دیگر می فرماید: **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛**^{۶۸} آیا آنها در قرآن تدبّر نمی کنند، یا بر دل هایشان قفل نهاده شده است؟!

۵۶ - ص، آیه ۲۹

۵۷ - قمر، آیه ۱۷

۵۸ - محمد، آیه ۲۴

تدبیر در قرآن کریم به معنای دقت نظر در کشف مفاهیم و عمق معنا آیات و کاوش در پیام‌ها، درس‌ها، اندازها، تبشیرها و همراه شدن با رهنمودهای آیات قرآن کریم است.

تدبیر همان تلاوت راستین است که از قرائت آیات شروع و با تأمل و تعمق در معنا و پیام‌ها و خواسته‌ها، ادامه می‌یابد و با تعهد و التزام و عمل به مضامین آنها، ختم می‌گردد.

امام باقر علیه‌السلام مراحل سه گانه انس با قرآن کریم و ترتب و پیوستگی تلاوت، تدبیر و عمل را این چنین بیان می‌فرماید: **يَتْلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَقَّهُونَ فِيهِ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ؛**^{۵۹} تلاوت کنندگان واقعی کسانی هستند که قرآن را تلاوت می‌کنند و در آن تفقه و تأمل عمیق دارند و به احکام آن عمل می‌کنند.

امام سجاد علیه‌السلام در پایان تلاوت قرآن کریم، حقیقت انس با قرآن کریم را از خداوند تبارک و تعالی درخواست کرده و می‌فرمود: **اللَّهُمَّ فَإِذْ أَقْدَتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَ سَهَّلْتَ جَوَابِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَأَجْعَلْنَا مَمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَ يَفْرَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ؛**^{۶۰} الهی اکنون که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی، و عقده‌های زبانمان را به زیبایی عبارات آن گشودی، پس ما را از جمله کسانی قرار ده که حق این کتاب را چنان که سزاوار است رعایت می‌کنند، و تو را با اعتقاد تسلیم در برابر آیات محکمش بندگی می‌نمایند، و به آیات متشابه و دلایل روشنش اعتراف می‌نمایند.

۵۹ - بقره، آیه ۱۲۱

۶۰ - صحیفه سجادیه، دعای ۴۲

مرحله سوم انس: عمل به قرآن کریم

مرحله سوم انس با قرآن کریم، عمل به قرآن کریم است. بر اساس آیات و روایات، تلاوت و تدبّر در قرآن کریم مقدمه است برای عمل به قرآن کریم. امام باقر علیه السلام مراحل سه گانه انس با قرآن کریم را و ترتب و پیوستگی تلاوت، تدبّر و عمل را این چنین بیان می فرماید: **يَتْلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَقَّهُونَ فِيهِ وَيَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ، يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَيَخَافُونَ وَعِيدَهُ وَيَعْتَبِرُونَ بِقِصَصِهِ وَيَأْتَمِرُونَ بِأَوْامِرِهِ وَيَنْتَهُونَ بِنَوَاهِيهِ، مَا هُوَ وَاللَّهُ حِفْظُ آيَاتِهِ وَدَرْسُ حُرُوفِهِ وَتِلَاوَةُ سُورِهِ وَدَرْسَ أَعْشَارِهِ وَأَخْمَاسِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛^{۱۱}** تلاوت کنندگان واقعی کسانی هستند که قرآن را تلاوت می کنند و در آن تفقه و تأمل عمیق دارند و به احکام آن عمل می کنند، به وعده های آن امیدوارند و از وعید آن هراسناکند و به وسیله قصه های آن عبرت می گیرند و اوامر آن را فرمان می برند و از نواهی آن خود را رها می سازند. به خدا قسم! حق تلاوت، تنها حفظ کردن آیات و حروف آن و قرائت سوره ها و بخش های ده گانه و پنج گانه آن نیست تا حروف قرآن را حفظ کرده باشند و حدود آن را ضایع؛ بلکه حق تلاوت، همان تدبّر در آیات و عمل به احکام آن است. خداوند تعالی می فرماید: ما کتابی مبارک به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبّر شود.

پیامبر گرامی اسلام قاریان قرآن کریم را سه گروه کرده و قاری واقعی قرآن کریم را هم چون کبریت احمر نایاب شمرده و می فرماید: **قُرَاءُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِيضَاعَةً فَاسْتَحَرَّمَهُ الْمَلُوكُ وَ اسْتَمَالَ بِهِ النَّاسَ وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَقَامَ حُرُوفَهُ وَ ضَبَعَ حُدُودَهُ، كَثُرَ هَوْلًا مِنْ قُرَاءِ الْقُرْآنِ لَا كَثَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى وَ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ فَأَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ وَ قَامُوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ حَبَّوْا بِهِ تَحْتَ**

۶۱ - بقره، آیه ۱۲۱

بَرَانِسِهِمْ، فَهَوْلَاءِ يَدْفَعُ اللَّهُ بِهِمُ الْبَلَاءَ وَيُزِيلُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيُنزِلُ غِيثَ السَّمَاءِ، فَوَاللَّهِ لَهُوْلَاءِ مِنَ الْقُرَّاءِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَّتِ الْأَحْمَرِ؛^{۶۲} قاریان قرآن سه گونه‌اند: کسی که قرآن می‌خواند و آن را وسیله‌ی تقرب به شاهان و جلب توجه مردم قرار می‌دهد. و کسی که قرآن می‌خواند و کلماتش را درست ادا کرده اما حدود آن را ضایع می‌کند. این دو دسته از قاریان قرآن تعدادشان زیاد است و خدا امثال آنها را زیاد نکند. و کسی که قرآن می‌خواند و داروی قرآن را بر درد دل خویش می‌نهد. شب را با آن به بیداری می‌گذراند و روز را با آن به تشنگی سپری می‌کند. آن را در مسجدهایشان به پا می‌دارند و زیر بُرُوس‌های خود نگاه می‌دارند. به برکت وجودشان، خداوند بلا را دفع می‌کند و دشمنان را از میان برمی‌دارد و باران از آسمان را فرو می‌فرستد. به خدا سوگند که این قاریان از کبریت احمر کمیاب ترند.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این زمینه می‌فرماید: عَلَيْنَكُمْ بِهَذَا الْقُرْآنِ أَحْلُوا حَلَالَهُ وَ حَرِّمُوا حَرَامَهُ وَاعْمَلُوا بِمُحْكَمِهِ وَرُدُّوا مُتَشَابِهَهُ إِلَى عَالِمِهِ فَإِنَّهُ شَاهِدٌ عَلَيْكُمْ وَ أَفْضَلُ مَا بِهِ تَوَسَّلْتُمْ؛^{۶۳} بر شما باد عمل به قرآن. حلال آن را حلال بشمارید و حرام آن را حرام بدانید. محکمت آن را عمل کنید و متشابهات آن را با عالمش ارجاع دهید که قرآن شاهد است بر شما و برترین چیزست که به آن متوسل شوید.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصیت خویش بر عمل به قرآن کریم تأکید کرده، می‌فرماید: اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛^{۶۴} خدا را خدا را در باره قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند.

۶۲ - الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۲۷

۶۳ - تصنیف غررالحکم و دررالحکم، ص ۱۰۵

۶۴ - نهج البلاغه، نامه ۴۷

مراحل سه گانه انس با قرآن کریم باید به درستی طی شود و الا قاری قرآن کریم که نه تدبر داشته باشد، نه در عمل به قرآن کریم بکوشد؛ نه تنها بر طریق صواب نیست بلکه مورد لعن قرآن کریم واقع می شود. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: **رُبَّ تَالٍ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ**؛^{۶۵} ای بسا قرآن خوانی که قرآن لعنش می کند.

۶۵ - بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، ج ۹۲، ص ۱۸۴

فصل سوم مقدمات شناخت قرآن کریم

فصل سوم: مقدمات شناخت قرآن کریم

بخش اول: ظرف قرآن کریم

ظرف زمانی نزول قرآن کریم

ماه مبارک رمضان، ظرف زمانی نزول قرآن کریم است. خداوند تبارک و تعالی، ماه مبارک رمضان را ماه نزول قرآن کریم معرفی کرده و می‌فرماید: **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؛**^{۶۶} ماهِ رمضان ماهی است که قرآن، در آن نازل شده است.

شب قدر، شب نزول قرآن کریم است. خداوند تبارک و تعالی، شب قدر را شب نزول قرآن کریم معرفی کرده و می‌فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛**^{۶۷} ما قرآن را در شب مبارک قدر نازل کردیم.

خداوند تبارک و تعالی، شب قدر را شب بسیار مبارک معرفی کرده و نزول قرآن کریم را در آن شب مبارک قرار داده است و می‌فرماید: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ؛**^{۶۸} به راستی ما آن را در شب مبارک و فرخنده نازل کردیم.

ظرف مکانی نزول قرآن کریم

قرآن کریم از لوح محفوظ بر قلب نازنین بزرگ‌ترین پیامبر الهی نازل شد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: **نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ**

۶۶ - بقره، آیه ۱۸۵

۶۷ - قدر، آیه ۱

۶۸ - دخان، آیه ۳

لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ^{۶۹}؛ روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از هشداردهندگان باشی.

به تعبیر امام خمینی رحمت الله علیه، قرآن کریم به صورت یک کتاب از لوح محفوظ، تا بیت العزّه فرود آمده است و طی مراحل و مراتبی به آسمان دنیا نازل شده است و بر قلب نازنین پیامبر گرامی اسلام نازل شده است. قرآن کریم پس از نازل در حجاب حروف و الفاظ درآمده است تا قابل فهم برای بشر باشد و طی بیست و سه سال به تدریج بر ایشان نازل شده است.

امام خمینی رحمت الله علیه در کتاب آداب الصلوة می فرماید: خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدس خود نازل فرموده و به حسب تناسب عوالم، نازل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوة الفاظ و صورت حروف درآمده است. قرآن کریم برای استخلاص مسجونین از این زندان تاریک دنیا و رهایی مغلولین در زنجیرهای آمل و امانی، و رساندن آنها از حسیض نقص و ضعف و حیوانیت به اوج کمال و قوت و انسانیت، و از مجاورت شیطان به مرافقت ملکوتین، بلکه به وصول به مقام قرب و حصول مرتبه لقاء الله که اعظم مقاصد و مطالب اهل الله است؛ آمده است.^{۷۰}

کیفیت نزول قرآن کریم

کیفیت نزول قرآن در لیلۃ القدر به تعبیر حضرت امام خمینی رحمت الله علیه بر ما خاکیان پوشیده است و غیر از خود پیامبر گرامی

۶۹ - شعراء، آیه ۱۹۳ - ۱۹۴
۷۰ - آداب الصلاة، ج ۱، ص ۱۸۴

اسلام و آن‌هایی که در دامن رسول اکرم بزرگ شدند و مورد عنایت خدای تبارک و تعالی و عنایات خاص او بودند؛ دیگران از اسرار آن بی‌خبرند. حضرت امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: این کتاب آسمانی که صورت عینی و کتبی جمیع أسما و صفات و آیات و بینات است و دست ما از مقامات غیبی آن کوتاه است و جز وجود اقدس جامع "مَنْ حُوِّطَبَ بِهِ" از اسرار آن، کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او، خُصَّ اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه، خُصَّ اهل معرفت به پرتویی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر، بهر مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی‌کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما رسیده است؛ خدای نخواستہ مباد که مهجور شود.^{۷۱}

بخش دوم: تعلیم قرآن کریم

تعلیم قرآن کریم

قرآن کریم، کتاب راهنمای بشریت و دستور زندگی بشر است و بر هر مسلمانی لازم است برای تنظیم سبک زندگی شرافتمندانه خود، آن را فراگیرد و به دیگران یاد دهد. بر همین اساس پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می‌فرماید: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ^{۷۲}؛ بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد دهد.

۷۱ - صحیفه امام، ج ۲۰ ص ۹۲

۷۲ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۳۵

معلم قرآن کریم

در اهمیت تعلیم و تعلم و فراگیری و آموزش قرآن کریم، همین بس که قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی را معلم قرآن کریم معرفی کرده و می‌فرماید: الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ؛^{۷۳} خدای رحمان قرآن را به رسولش یاد داد.

یکی از وظایف پیامبر

یکی از وظایف بسیار مهم پیامبر گرامی اسلام تعلم و یاد دهی قرآن کریم بوده است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد.^{۷۴}

تعلیم و تعلم قرآن کریم در روایات

در روایات معصومان علیهم السلام نیز درباره تعلیم و تعلم قرآن و فضیلت آن، تاکیدها و تشویق‌های بسیار شده است. امام علی علیه السلام در باب تعلیم قرآن کریم می‌فرماید: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ؛ قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و تفقه کنید در آن که بهار دل‌هاست.^{۷۵}

۷۳ - الرحمن، آیه ۱

۷۴ - جمعه، آیه ۲

۷۵ - نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

امام علیّ علیه السلام قرآن کریم را سفره گسترده الهی معرفی کرده و می‌فرماید: **الْقُرْآنُ مَادِبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَادِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛** قرآن سفره‌ی گسترده‌ی الهی است، پس به قدر توان از این سفره گسترده یاد بگیرید^{۷۶}.
 امام صادق علیه السلام در باب تعلیم قرآن کریم می‌فرماید: **يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ؛** سراوار است برای انسان مؤمن که قبل از مردنش قرآن را یاد بگیرد یا در حال یادگیری قرآن باشد.^{۷۷}

تعلیم قرآن کریم و فراگیری رهنمودهای این کتاب مقدّس و عمل به دستورات این نسخه نجات بخش بشری میسر نمی‌شود مگر آن که ضرورت فراگیری آن در جامعه، نهادینه شود و به یک فرهنگ درآید و همگان به ضرورت آن پی برده و نسبت به یادگیری آن احساس نیاز کنند. در آرزوی آن روز.

۷۶ - بحار الأنوار - ط موسسه الاسلامیه، ج ۹۲، ص ۱۹
 ۷۷ - الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص ۶۰۷

بخش سوم: ضرورت شناخت قرآن کریم

ضروری‌ترین موضوع در رابطه با قرآن کریم، شناخت این کتاب مقدّس است. شناخت قرآن کریم از آن جهت لازم و ضروری است که درک عظمت قرآن کریم به شناخت این کتاب مقدّس بستگی دارد.

شناخت قرآن کریم از آن جهت لازم و ضروری است که مقدمه ایمان و مقدمه اُنس و مقدمه فراگیری آموزه‌ها و مقدمه بهره برداری صحیح و مقدمه عمل به دستورات قرآن کریم است.

تا انسان نسبت به حقیقت قرآن کریم و درک عظمت آن، شناخت پیدا نکند؛ نمی‌تواند به درستی به آن ایمان آورد، نمی‌تواند به درستی با آن مأنوس شد، نمی‌تواند به درستی آموزه‌های آن را فراگرفت، نمی‌تواند به درستی از آن بهره برد و نمی‌تواند به درستی به فرامین نجات‌بخش آن عمل نمود. ایمان و اعتقاد حقیقی، اُنس و تدبّر واقعی و عمل صحیح و به هنگام در گرو شناخت واقعی قرآن کریم است.

تا انسان نسبت به حقیقت چیزی، شناخت پیدا نکند؛ ایمان واقعی به آن چیز برای او حاصل نشود و عمل صحیح به دستورات آن برای او امکان پذیر نگردد و انتخاب صحیح برای او میسر نشود.

شناخت قرآن کریم از آن جهت لازم و ضروری است که انسان دارای اراده و اختیار؛ ناگزیر از انتخاب است و برای انتخاب صحیح راه زندگی، به شناخت نیاز دارد.

شناخت قرآن کریم از آن جهت لازم و ضروری است که انسان به دلیل امتیاز اراده و اختیار و به دلیل قدرت انتخاب؛ مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرد و لازم است نسبت به مواد امتحان، شناخت داشته باشد.

از آنجایی که قرآن کریم کتاب زندگی است و برای سعادت ابدی بشر نازل شده است، باید مورد توجه و عمل قرار گیرد و لازمه توجه دقیق و

عمل صحیح، شناخت آن است، چرا که عمل، فرع شناخت است. امروز شناخت محتوای قرآن کریم و طرح و نقشه آن برای زندگی بشر، یک امر لازم و ضروری است.

از این رو اولین موهبتی که خداوند پس از آفرینش به انسان ارزانی کرده است، ابزار شناخت است: **إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا**؛^{۷۸} ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم.

هر چه شناخت قرآن، عمیق‌تر، کامل‌تر و دقیق‌تر باشد؛ عمل به آموزه‌های آن و اجرای دستورات آن اصولی‌تر، آسان‌تر و کارسازتر است. شناخت ناقص نمی‌تواند پیروی و اطاعت صحیح و کامل را همراه داشته باشد. البته وقتی سخن از شناخت است منظور، آشنایی شناسنامه‌ای نیست بلکه، شناختِ معرفتی و بصیرتی است. شناختی که انسان را به جایگاه، اهداف، راه‌های تعالی، محتوا، فرامین، آموزه‌ها و دستورات قرآن کریم، آگاه نماید و معرفت ببخشد.

۷۸ - انسان، آیه ۱

بخش چهارم: منابع شناخت قرآن کریم

برای شناخت صحیح قرآن کریم دو منبع اساسی و متقن وجود دارد یکی خود قرآن کریم و دیگری فرمایشات پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اوصیای آن بزرگوار یعنی اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام که بهترین منبع شناخت قرآن کریم به حساب می‌آیند.

قرآن کریم، بهترین منبع شناخت

قرآن کریم در معرفی خود می‌فرماید: **ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**^{۷۹} این کتابی است که در حقانیت آن هیچ شک و تردیدی نیست، هدایتگر متقین است. **وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ**^{۸۰}؛ و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه‌ی نیازهای بشری است. **وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ**^{۸۱} و هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز این که در کتاب مبین آمده است. **إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ**^{۸۲} همانا این قرآن به پابرجاترین و استوارترین آیین هدایت می‌نماید.

قرآن کریم خود را این چنین معرفی می‌کند: آموزگار قرآن کریم خداوند تبارک و تعالی: **الرَّحْمَنُ . عَلَّمَ الْقُرْآنَ**^{۸۳} محافظ قرآن کریم پروردگار عالم است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ**^{۸۴}. واسطه نزول قرآن کریم روح الامین است: **نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ**^{۸۵}. گیرنده وحی: مبرا از

۷۹ - بقره، آیه ۲

۸۰ - نحل، آیه ۸۹

۸۱ - انعام، آیه ۵۹

۸۲ - اسراء، آیه ۹

۸۳ - الرحمن، آیه ۱

۸۴ - حجر، آیه ۹

۸۵ - شعراء، آیه ۱۹۳

هوا و هوس است: وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ . إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ^{۸۶}.
 بهربرداران قرآن کریم پاگان جامعه هستند: لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. ^{۸۷}
 ظرف نزول قرآن کریم قلب نازنین پیامبر است: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَىٰ
 قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ. ^{۸۸} ماه نزول قرآن کریم ماه رمضان است: شَهْرُ
 رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ. ^{۸۹} زمان نزول قرآن کریم شب قدر است:
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. ^{۹۰} زبان قرآن کریم عربی شیوا است: بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ
 مُبِينٍ. ^{۹۱}

مَنْ خُوِطِبَ بِهِ، بَهْتَرِينَ مَنِعَ شَنَاخَت

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که مخاطب قرآن
 کریم و گیرنده وحی بوده است و اهل بیت عصمت و طهارت
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که دانش اولین و آخرین و علم کتاب نزد آن بزرگواران
 است؛ بهترین منبع شناخت قرآن کریم هستند: إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ
 خُوِطِبَ بِهِ؛ ^{۹۲} کسانی قرآن را می‌شناسند که قرآن کریم بر آنان نازل شده
 است و محبط وحی الهی و مخاطب قرآن کریم هستند.

۸۶ - نجم، آیه ۳-۴

۸۷ - واقعه، آیه ۷۹

۸۸ - شعراء، آیه ۱۹۳-۱۹۴

۸۹ - بقره، آیه ۱۸۵

۹۰ - قدر، آیه ۱

۹۱ - شعراء، آیه ۱۹۵

۹۲ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۳۱۲

پیامبر گرامی اسلام قرآن کریم را راست ترین گفتار و رساترین پندها و نیکوترین قصه‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: **أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أْبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقِصَصِ، كِتَابُ اللَّهِ.**^{۹۳}

در حدیث دیگری پیامبر گرامی اسلام قرآن کریم را سفره و ادبستان الهی و معرفی می‌کند و می‌فرماید: **أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدَبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدَبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛** قرآن سفره ضیافت خداست. پس تا می‌توانید از ضیافت او فراگیرید.^{۹۴}

در حدیث دیگری پیامبر گرامی اسلام قرآن کریم را وسیله جلای قلوب می‌داند و می‌فرماید: **إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ لَتَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ وَإِنْ جَلَاءَهَا قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ**^{۹۵}؛ برآستی این قلبها زنگار می‌گیرد، همان طور که آهن زنگار می‌گیرد، جلای قلب‌ها قرائت قرآن است.

حضرت امام علی **عَلَيْهِ السَّلَام** در معرفی قرآن کریم می‌فرماید: **إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْتَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهِ**^{۹۶}؛ به درستی که ظاهر قرآن، نیکو و باطن آن عمیق است، شگفتی‌های آن از بین نمی‌رود و غرایب آن تمام نمی‌شود و تاریکی‌ها، جز به سبب قرآن، گشوده نمی‌شود.

بخش پنجم: آشنایی با زبان قرآن کریم

برای شناخت بهتر قرآن کریم لازم است، زبان قرآن کریم شناخته شود. شهید بزرگوار علامه مطهری، درباره زبان قرآن کریم بحث مفصلی

۹۳ - من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۲

۹۴ - وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۱۶۸

۹۵ - إرشاد القلوب / ترجمه طباطبایی، ص ۳۱۲

۹۶ - نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۶۱

دارد که در باب شناخت قرآن کریم، بسیار لازم و ضروری است و ما به صورت خلاصه به آن اشاره می‌کنیم. قرآن کریم چند زبان دارد، یکی از زبان‌های قرآن کریم "زبان منطق و استدلال" است و مخاطب این زبان عقل و قوه تفکر انسان است و زبان دیگر قرآن کریم "زبان احساس" است و مخاطب این زبان دل انسان است.

زبان اول: زبان منطق و استدلال

یکی از زبان‌های قرآن کریم "زبان منطق و استدلال" است و مخاطب این زبان عقل و قوه تفکر انسان است. قرآن کریم با این زبان مسلمانان را به تلاوت و تدبیر دعوت می‌کند و آن را مقدمه‌ای برای اندیشه در حقانیت قرآن کریم و پندگیری از آن می‌داند: **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ**^{۹۷}؛ این کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا درباره آیات آن اندیشه کنند و خردمندان پند گیرند.

قرآن کریم با این زبان، برای حقانیت خود و برای آن چه آورده و برای راستی و درستی محتوای خود؛ استدلال می‌کند و بشریت را به خود دعوت می‌نماید.

در قرآن کریم آیات بسیاری است که به روش منطقی و استدلال با بشر سخن گفته است، خداوند در قرآن می‌فرماید: **لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ**^{۹۸}. یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ**

۹۷ - ص، آیه ۲۹

۹۸ - انبیاء، آیه ۲۲

كُنْ فَيَكُونُ^{۹۹}. در سوره یس نیز می‌فرماید: وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ . فَلْيُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ^{۱۰۰}. زبان این آیات و آیات متعدد دیگر همه به زبان منطق و استدلال است.

زبان دوم: زبان دل و احساس

زبان دیگر قرآن کریم "زبان احساس" است و مخاطب این زبان دل انسان است. در درون انسان منبع احساس بسیار عظیم و عمیقی وجود دارد که با هستی مطلق و خالق هستی ارتباط دارد. قرآن کریم با این زبان، با انسان سخن می‌گوید، احساسات انسان را تحریک می‌کند و روح انسان را برای پذیرش حقیقت به هیجان در می‌آورد.

یکی از متعالی‌ترین غرایز و احساسات در انسان، حسّ مذهبی و فطرت خداجویی است و قرآن کریم با این حسّ شریف سر و کار دارد و آن را مخاطب قرار داده است. نوای آسمانی قرآن با فطرت الهی انسان سخن می‌گوید و آن را تسخیر می‌کند. قرآن کریم با این زبان انسان را مخاطب قرار داده و او را از اعماق و کنه وجودش به حرکت در می‌آورد. قرآن کریم فقط خود را کتاب تفکر و منطق و استدلال معرفی نمی‌کند تا فکر و مغز انسان را تحت تأثیر قرار دهد، بلکه خود را کتاب احساس و عشق هم معرفی می‌کند و سراسر وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از ابزارهای این زبان، کمیّت، کیفیت، رنگ، چهره و طنین صدا است. طنین صدا می‌تواند انسان را در دنیای خاصی از احساس فرو برد. نوع هیجانات و احساسات بسته به نوع صدا دارد. شاید هیچ چیزی به

۹۹ - آل عمران، آیه ۵۹

۱۰۰ - یس، آیه ۷۸-۷۹

اندازه طنین صدا که از آن به نوای موسیقی یاد می‌شود؛ تحریک کننده نباشد. یک موسیقی، حس دلاوری و سلحشوری را تحریک می‌کند. گاهی آنقدر قوی است که سرباز ترسیده از دشمن را از سنگر بیرون می‌آورد و او را برای حمله به دشمن، بی‌باک می‌سازد. یک موسیقی، حس بخشش یا کمک به دیگران را تحریک می‌کند. یک موسیقی حتی حس لودگی یا شهوت‌رانی را در انسان تحریک می‌کند و شخص را تسلیم پلیدی‌ها می‌سازد و حریم عفت و اخلاق را از بین می‌برد.

اگر در مجالس به شعرخوانی، مداحی و مدیحه‌سرایی پرداخته می‌شود بخاطر تأثیر طنین صدا و نوای موسیقی بر روح انسان است و اگر توصیه می‌شود قرآن را با آهنگ زیبا و دلنشین بخوانید برای این منظور است: **وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا**^{۱۰۱}؛ قرآن را با آهنگ لطیف، زیبا و دلنشین تلاوت کن.

وقتی آقای آهنگران با تعدادی از رزمندگان در دیدار امام مرثیه سرایی کرد، امام به آقای آهنگران فرمود: حماسی بخوان؛ و دیدید که چقدر شعرهای آقای معلم و صدای آقای آهنگران در اعزام نیروها به جبهه و آماده سازی آنها برای حمله نقش داشت.

در میان مسلمانان یگانه چیزی که مایه نشاط، کسب قدرت روحی، پیدا کردن خلوص و صفای باطن بوده، همان موسیقی قرآن است. ندای آسمانی قرآن در اندک مدتی از مردم وحشی شبه جزیره عربستان، مؤمنانی ثابت قدم ساخت که توانستند با بزرگترین قدرت‌های زمانه درافتند و آنها را از پا درآورند.

مسلمانان قرآن را نه فقط به عنوان یک کتاب درس و تعلیم بلکه همچون یک غذای روح، مایه کسب نیرو و ازدیاد ایمان می‌نگریستند.

۱۰۱ - مزمل، آیه ۴

شبها با خلوص قرآن می خواندند و با خدای خود راز و نیاز می کردند، روزها چون شیر غران به دشمن حمله می بردند.

داستان زندگی پیامبر، خود بیانگر درستی این قول است. او بی هیچ پشتیبان، در حالی که تنها قرآن را در دست داشت، قیام کرد و همین قرآن برای او همه چیز شد، برایش سرباز، سلاح و نیرو تدارک دید، دشمن را در برابرش خاشع و خاضع گردانید، افراد دشمن را به سوی او کشاند و بالاخره آنها را در برابر رسول خدا به تسلیم واداشت و به این ترتیب وعده راستین الهی را تحقق بخشید.

وقتی قرآن زبان خود را زبان دل می نامد، منظورش آن دلی است که می خواهد با آیات خود آن را صیقل بدهد و تصفیه کند و به هیجان بیاورد. این زبان غیر از زبان موسیقی است که احیاناً احساسات شهوانی انسان را تغذیه می کند و نیز غیر از زبان مارش های نظامی و سرودهای رزمی است که در ارتش های دنیا می نوازند و حس سلحشوری را تقویت می کنند. این همان زبانی است که از اعراب بدوی، مجاهدینی می سازد که در حقیقت فرمودند: **حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَىٰ أَسْيَافِهِمْ**^{۱۰۲}؛ آنان که شناخت و بینش شان را بر شمشیرها حاکم کرده و شمشیرهایشان را در راه تحقق حق و حقیقت به کار گرفتند.

این که کفار و مشرکین قریش همه را ملزم می کردند که وقتی پیامبر گرامی در مسجد الحرام حضور داشت؛ در گوششان پنبه بگذارند و به مسجد الحرام وارد شوند برای جاذبه و تأثر این کتاب مقدس بود که از زبان پیامبر گرامی اسلام منتشر می شد.

چه بسیار افراد عنود و لجوج، که با شنیدن آیات قرآن کریم مجذوب پیامبر گرامی شدند و چه بسیار افراد عنود و لجوج که واله و

۱۰۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰

دلداده شنیدن آیات قرآن کریم بودند و مخفیانه به تلاوت قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام گوش می‌دادند.

ابن هشام مورخ مشهور روایت می‌کند که: یک شب ابوسفیان و ابوجهل و اخنس بن شریق ثقی هر یک به تنهایی و بدون اطلاع دیگری آمدند تا از پشت دیوار خانه پیغمبر، صدای تلاوت قرآن او را بشنوند، هر کدام جایی را انتخاب کردند و تا هنگام طلوع فجر نشستند و گوش به تلاوت قرآن پیغمبر دادند و همین که هوا روشن شد، برخاستند تا بروند، هر سه با هم برخورد کردند و رازشان برملا شد و یکدیگر را سرزنش کردند که دیگر چنین نکنند که اگر ساده لوحان ببینند، به قرآن کریم متمایل شوند. با این وصف، شب دوم نیز هر سه نفر برخلاف تعهدی که نمودند و به خیال این که دیگران نمی‌آیند، آمدند و هر کدام درجایی نشسته و از پشت دیوار خانه پیغمبر گوش به آهنگ دلنشین قرائت قرآن او دادند و سپیده دم تا برخاستند بروند باز در میان راه به هم رسیدند و هر کدام فهمیدند که کجا بوده‌اند و چه می‌کردند! و همان سخنان شب قبل میان آن‌ها در گرفت و به این شرط که دیگر تکرار نکنند، از هم جدا شدند. با این وصف، سومین شب هم این صحنه تکرار شد و چون صبح هنگام باز یکدیگر را دیدند یکی از آن‌ها گفت: نباید از هم جدا شویم مگر این که قول شرف بدهیم که دیگر اقدام به این کار نکنیم. این تعهد را سپردند و از هم جدا شدند.

فضیل بن عیاض، معاصر با امام صادق علیه السلام یکی از کسانی است که دورانی از عمر خودش را به گناه و فسق و فجور و دزدی گذرانده است، شبی خانه‌ای را در نظر گرفته بود که از آن دزدی کند، وقتی از دیوار بالا می‌رود ناگهان صدای مردی را می‌شنود که با لحن بسیار زیبا قرآن تلاوت می‌کند و این آیه را می‌خواند: **أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ**

قُلُوبُهُمْ لَذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ^{۱۰۳}؛ آیا وقتی آن نرسیده است که دل کسانی که ادعای ایمان دارند برای پذیرش یاد خدا نرم شود؟ فضیل تا این آیه را می‌شنود احساس می‌کند این خداست که با بنده‌اش فضیل، سخن می‌گوید: که فضیل! دزدی و غارتگری و چپاول تا کی؟ فضیل تکانی می‌خورد و جواب می‌دهد: خدایا همین الان وقتش است؛ از دیوار پایین می‌آید، توبه می‌کند آن هم توبه‌ی نصوح، توبه‌ای که او را در ردیف مردان پرهیزگار و عابد زمان خودش قرار داد به حدی که وقتی یکی از مقتدرترین سلاطین دنیا یعنی هارون الرشید خلیفه‌ی عباسی که فردی فاسق و فاجر بود را موعظه و نصیحت می‌کرد، هارون مثل بازان بهاری اشک می‌ریخت.

ندای آسمانی قرآن کریم با این زبان با انسان سخن می‌گوید و انسان را شیفته خود می‌سازد و ما باید ببینیم، با کدام زبان، قرآن را تلاوت می‌کنیم و به کدام منطق قرآن کریم پاسخ می‌دهیم؟

باید قرآن کریم را خوب شناخت، حقایق این کتاب آسمانی را خوب درک کرد، به محتوای آن واقعی و حقیقی ایمان آورد، راستی و درستی این ودیعه الهی را باور کرد و به وظیفه سنگین و حساس خود نسبت به قرآن کریم، عمل نمود و با استفاده از فناوری پیشرفته به توسعه و تعمیق معرفت قرآنی پرداخت و در انتقال به موقع و صحیح و جذاب مفاهیم و آموزه‌های قرآنی کوشید و شیفتگان و تشنگان معارف الهی را سیراب کرد. به امید آن روز...

فصل چہارم شناخت قرآن کریم

فصل چهارم: شناخت قرآن کریم

قرآن کریم از زوایای گوناگون قابل بررسی و شناخت است. زوایای گوناگون شناخت قرآن کریم را می‌توان در قطعیت و اتقان، در جامعیت و کمال، در عمومیت و جهانی، در جاودانگی و ماندگاری، در نورانیت و روشنگری، در راهنمایی و هدایتگری جستجو کرد.

قرآن کریم در اتصال به منبع لایزال الهی، قطعی و یقینی است، در وصول به زندگی شرافتمندانه، جامع و کامل است، در گستردگی اقوام و ملل، جهانی و جهان شمول است، در ماندگاری آموزه‌ها، جاودانه و ماندگار است، در معرفت و کمال، نورانی و روشنگر است و در سعادت و رستگاری، راهنما و هدایتگر است.

زوایای شناخت قرآن کریم در بخش‌های پیش‌رو به اختصار بیان می‌شود.

بخش اول: قطعیت و اتقان قرآن کریم

قرآن کریم، کتاب قطعی و یقینی است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را قطعی و یقینی، معرفی می‌کند و هرگونه شک و شبهه‌ای را از خود دور می‌سازد.

بدیهی است خداوندی که با علم و حکمت، هستی را، این چنین با عظمت و نظامند آفریده است؛ قطعاً بشر را رها نکرده و برای سعادت او کتاب راهنما می‌فرستد و به یقین کتاب راهنمایی که او فرستاده، قطعی و یقینی است.

قطعی و یقینی بودن قرآن کریم، جهات مختلفی دارد که به آن اشاره می‌شود:

اول: اتصال به منبع لایزال الهی

قرآن کریم از نظر اتصال به منبع لایزال الهی، قطعی و یقینی است و از طرف خداوند تبارک و تعالی نازل شده است: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ**^{۱۰۴}؛ این کتابی است که در حقانیت آن هیچ شک و تردیدی نیست.

دوم: ابلاغ وحی

قرآن کریم از نظر رسول و پیام‌آور وحی قطعی و یقینی است. جبرئیل به عنوان رسول وحی در ابلاغ قرآن کریم و رساندن آن به پیامبر گرامی اسلام؛ امین است و به درستی و به راستی عمل کرده است: **نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ**^{۱۰۵}؛ جبرئیل امین و به آنچه که مأمور شده است، مسلط، چیره و

۱۰۴ - بقره، آیه ۲

۱۰۵ - شعراء، آیه ۱۹۳

بسیار نیرومند است: **عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى . ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى^{۱۰۶}**؛ آنچه را خداوند به آن فرمان داده است را به طور کامل اجرا نموده و هرگز از فرمان خدا سرپیچی نکرده است: **لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^{۱۰۷}**.

سوم: دریافت وحی

قرآن کریم از نظر دریافت کننده وحی قطعی و یقینی است. پیامبر گرامی اسلام، از آن جهت که مظهر اسم اعظم الهی و دارای عصمت کبری است، آن چه را خداوند تبارک و تعالی توسط جبرئیل امین، بر قلب نازنین او نازل کرده، را بدون کم و کاست دریافت کرده است.

چهارم: رسالت و نبوت

پیامبر گرامی اسلام آن چه را در اختیار بشریت قرار داده است، همان وحی الهی و قطعی و یقینی است. پیامبر گرامی اسلام آن چه را خداوند تبارک و تعالی به عنوان کتاب آسمانی قرآن کریم، توسط جبرئیل امین، بر قلب نازنین او نازل کرده است را بدون کم و کاست در اختیار بشریت قرار داده است و هیچ تصرفی در آن نکرده است: **مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ^{۱۰۸}**؛ هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید و گفتار او، جز وحی چیزی دیگری نیست.

۱۰۶ - نجم، آیه ۶

۱۰۷ - تحریم، آیه ۶

۱۰۸ - نجم، آیه ۳

پنجم: محتوای قرآن کریم

آن چه قرآن کریم از نظر محتوایی، برای هدایت بشر به ارمغان آورده است قطعی و یقینی است. قرآن کریم در صداقت و راستی، در صحت و درستی، در هدایت و رهبری، در حق و حقیقت، در کمال و تعالی، در بیان حقایق و واقعیت، در صفات و ویژگی‌ها، و در محتوا و آموزه‌ها؛ قطعی و یقینی است و هیچ شک، شبهه، کجی و شکستی به ساحت آن راه ندارد و هیچ دروغ و باطلی بر آن سایه نیفکنده است.

قرآن کریم در بیان حقایق، بهترین حدیث است: **اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ**^{۱۰۹}. در استواری، شکست ناپذیر است: **وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ**^{۱۱۰}. در بیان حقایق، از شک و تردید به دور است: **ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ**^{۱۱۱}. در بیان حقیقت، از باطل به دور است: **لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ**^{۱۱۲}. در بیان راستی و درستی، از کجی به دور است: **وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا**^{۱۱۳}.

اگر قرآن کریم قطعی و یقینی نبود، به یقین در آن اختلاف فراوان وجود داشت و چون هیچ گونه دوگانگی و اختلافی در آن وجود ندارد؛ پس از منبع لایزال الهی نازل شده است. خداوند تبارک و تعالی با سؤال توییح گونه می‌فرماید: **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا**^{۱۱۴}؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن دیده می‌شد.

۱۰۹ - زمر، آیه ۲۳

۱۱۰ - فصلت، آیه ۴۱

۱۱۱ - بقره، آیه ۲

۱۱۲ - فصلت، آیه ۴۲

۱۱۳ - کهف، آیه ۱

۱۱۴ - نساء، آیه ۸۲

تحدی قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی برای اثبات حقانیت و درستی قرآن کریم، تحدی کرده و می‌فرماید: اگر کسی در حقانیت و درستی این کتاب مقدس، شک و شبهه‌ای دارد؛ مثل آن را بیاورد و همین که کسی نمی‌تواند مانند او را بیاورد، معلوم می‌شود که کار انسانی نیست و از طرف خداوند تبارک و تعالی نازل شده است: **قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا وَكُنْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^{۱۱۵}**؛ اگر انس و جن گرد آیند تا همانند قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد هر چند که یکدیگر را یاری دهند.

خداوند تبارک و تعالی در آیه دیگر تخفیف داده و می‌فرماید: اگر کسی در حقانیت و درستی این کتاب مقدس، شک و شبهه‌ای دارد؛ لازم نیست مثل قرآن کریم را بیاورید، بلکه ده سوره مثل سوره‌های قرآن کریم هم بیاورید کافی است: **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۱۶}**؛ اگر گویند: قرآن کریم را به دروغ ساخته است. بگو: اگر راست می‌گویند، ده سوره مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید.

باز خداوند تبارک و تعالی در آیه‌ی دیگر تخفیف بیشتری داده و می‌فرماید اگر کسی در حقانیت و درستی این کتاب مقدس، شک و شبهه‌ای دارد؛ لازم نیست، ده سوره مثل سوره‌های قرآن کریم را بیاورد، بلکه یک سوره هم بیاورید کافی است: **أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۱۱۷}**؛ اگر

۱۱۵ - اسراء، آیه ۸۸

۱۱۶ - هود، آیه ۱۳

۱۱۷ - یونس، آیه ۲۸

می‌گویند: قرآن کریم را به دروغ ساخته است. بگو: اگر راست می‌گویند، سوره‌ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می‌توانید به کمک، فرا خوانید.

قرآن کریم در آیه دیگر می‌فرماید: **وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ**^{۱۱۸}؛ و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس اگر راست می‌گویند، سوره‌ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را فرا خوانید و اگر چنین نکردید، که هرگز نمی‌توانید کرد، پس از آتشی که هیزمش انسان و سنگ است، و برای کافران آماده شده، بپرهیزید.

بخش دوم: جامعیت قرآن کریم

قرآن کریم کتاب جامع، کامل و فراگیر است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را جامع، کامل و فراگیر معرفی می‌کند، بگونه‌ای که برای سعادت بشر، هیچ چیزی را فروگذار نکرده است.

جامعیت قرآن کریم به این معناست که هر آن چه انسان در زندگی سعادت‌مند، بدان نیاز دارد، قرآن کریم آن را برای بشریت به هدیه آورده است. انسان در زندگی سعادت‌مند به چه چیزهایی نیاز دارد؟ به اخلاق، معنویت، اقتصاد، معیشت، عدالت، سیاست، حکومت، فرهنگ، دادرسی، تفریح، آرامش، خانواده، به کار و تلاش! بشر به هر چه نیاز دارد، قرآن کریم آن را برای بشریت به ارمغان آورده است و چیزی را فروگذار نکرده است.

آری خداوندی که با قدرت، علم و حکمت؛ هستی را، این چنین با عظمت و نظامند آفریده است؛ به یقین بشر را رها نکرده و برای سعادت او کتاب راهنما فرستاده است و بدیهی است، کتاب راهنمایی که خالق هستی با آن همه صفات جلال و جمال، فرستاده، جامع، کامل و فراگیر خواهد بود.

دلالت آیات بر جامعیت قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی در خصوص جامعیت قرآن کریم می‌فرماید: **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۝۱۱۹**؛ و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه‌ی نیازهای بشری است.

یا در آیه‌ای دیگر، جامعیت قرآن کریم را چنین توصیف می‌فرماید:
وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ^{۱۲۰}؛ و هیچ تر و خشکی وجود ندارد،
 جز این که در کتاب مبین آمده است.
 خداوند در قرآن کریم، جامعیت قرآن کریم را این گونه بیان
 می‌فرماید: **مَا فَزَّنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ**^{۱۲۱}؛ ما در این کتاب هیچ چیزی را
 فروگذار نکرده‌ایم.

روایات و جامعیت قرآن کریم

امام صادق علیه السلام در خصوص جامعیت قرآن کریم می‌فرماید:
وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ الْعِبَادَ إِلَيْهِ إِلَّا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ
عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا نُزِّلَ فِي الْقُرْآنِ^{۱۲۲}؛ به خدا سوگند، قرآن همه‌ی
 نیازمندی‌های مردم را بیان کرده است تا کسی نگوید کاش این موضوع در
 قرآن بود.

بر اساس جامعیت قرآن کریم است که اهل بیت عصمت و طهارت
 علیهم السلام می‌فرمایند: هر حکمی که برای شما بیان می‌کنیم برسید تا
 به شما بگوییم کجای قرآن کریم است.

اندیشمندان و جامعیت قرآن کریم

موضوع جامعیت قرآن کریم از جمله موضوعات مهم و بنیادی
 است که اندیشه بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان را به خود جلب
 کرده است و در این میان شهید بزرگوار علامه مطهری و علامه طباطبایی

۱۲۰ - انعام، آیه ۵۹

۱۲۱ - انعام، آیه ۳۸

۱۲۲ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۹

و امام خمینی (قدس سره) هم، از جمله آنان هستند و از همه مهم‌تر امام خمینی از معدود عالمانی است که در آراء و آثار قرآن شناختی خویش، از جامعیت قرآن کریم با نگرش واقع بینانه و مبتکرانه و در عین حال کاربردی سخن رانده است به گونه‌ای که در نگاه هیچ یک از متفکرین شیعه و سنی در ادوار مختلف تاریخ به چشم نمی‌خورد.

امام خمینی

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در یکی از پیام‌های خود درباره جامعیت قرآن کریم چنین می‌فرماید: هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند، تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است، از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بی‌خبران نگویند عرفان و فلسفه، بافته‌ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و رؤسای جمهور و اهل دنیا است یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.^{۱۲۳}

بدیهی است تمام علوم از ظاهر الفاظ قرآن کریم نمایان نیست، اما با بررسی زوایای گوناگون قرآن کریم و با استفاده از دلالت لفظی، معنوی، مفهومی و رمزی و با استفاده از اشارات، لطایف، حقایق و

۱۲۳ - صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۹۳

ارتباطی که از الفاظ قرآن کریم؛ جامعیت قرآن کریم که در بردارنده و بیانگر همه علوم است به دست می‌آید و مخاطبان اصلی قرآن کریم و راسخون در علم، توانایی این را دارند که تمام علوم را از آن استخراج کنند.

بخش سوم: جهانی بودن قرآن کریم

دین مبین اسلام مکتب جهانی است و قرآن کریم برای همه بشر نازل شده است و پیامبر گرامی اسلام برای هدایت همه بشریت فرستاده شده است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را جهانی و جهان شمول معرفی می کند.

مکاتب و ادیان جهان را در يك دسته بندی کلی می توان در دو گروه قرار داد: نخست مکاتبی که مخاطب خود را گروه، ملت، نژاد و یا طبقه‌ی خاصی می دانند و داعیه‌ی نجات و هدایت بخش خاصی از انسان‌ها را دارند، و دوم ادیانی که همه انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و در پی نجات همه آنان هستند.

جهان شمول بودن قرآن کریم

هر انسان منصفی که کم‌ترین آشنایی با تاریخ و تعالیم اسلام داشته باشد، می داند که اسلام و قرآن همه ملت‌ها را به آیین، معارف و مقررات خود دعوت کرده و هیچ فرد، گروه، ملت و نژادی را استثنا نکرده است. با بررسی آیات قرآن کریم، جهانی بودن و جهان شمول بودن قرآن کریم و عمومیت دعوت قرآن برای همه مردم جهان روشن می شود.

آیات و جهان شمول بودن قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ما قرآن کریم را برای هدایت جهانیان نازل کردیم «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^{۱۲۴}؛ این کتاب جز یادآوری برای جهانیان نیست.

یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ما قرآن کریم را برای هدایت همه مردم کردیم «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ»^{۱۲۵}؛ و هرآینه در این قرآن برای مردم از هرگونه مثالی آوردیم.

قرآن کریم خود را هدایتگر همه مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ^{۱۲۶}؛ ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده که رهنمودی برای مردم است.

یا فرزندان آدم را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ^{۱۲۷}؛ ای فرزندان آدم، مبادا شیطان فریبتان دهد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد.

یا همه بشریت را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^{۱۲۸}؛ ای مردم، خداوند را که شما و پیشینیان شما را آفریده، پرستید؛ باشد که پرهیزگار شوید.

جهانی بودن قرآن کریم با صراحتی بیش از آیات دیگر، در سوره انعام آمده است: وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ^{۱۲۹}؛ و این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و هر که این پیام به او برسد را بیم دهم. صراحت این آیه در جهانی بودن قرآن، بیش از آیات پیشین است.

جهان شمول بودن رسالت پیامبر

بخشی از آیاتی قرآن کریم، بر جهانی بودن و همگانی بودن رسالت پیامبر دلالت دارد مانند:

۱۲۵ - کهف، آیه ۵۴

۱۲۶ - بقره، آیه ۱۸۵

۱۲۷ - اعراف، آیه ۲۷

۱۲۸ - بقره، آیه ۲۱

۱۲۹ - انعام، آیه ۱۹

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^{۱۳۰}؛ و ما تو را نفرستادیم مگر رحمتی برای جهانیان. یا آیه: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ^{۱۳۱}؛ و ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم. یا آیه: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا^{۱۳۲}؛ خجسته باد کسی که بر بنده خود فرقان را فرو فرستاد تا هشدار دهنده‌ای برای جهانیان باشد.

خداوند قرآن کریم را ذکر معرفی کرده و به وسیله آن، پیامبر گرامی اسلام را بیم دهند زنده دلان می‌خواند: إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ * لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا^{۱۳۳}؛ این کتاب نیست جز یادآوری و قرآنی روشن، تا پیامبر هر که را که زنده دل است بیم دهد.

در بخشی از آیاتی قرآن کریم، غلبه آیین پیامبر گرامی اسلام را بر همه ادیان نوید می‌دهد مانند: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ^{۱۳۴}؛ او کسی است که فرستاده‌اش را با رهنمود و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز کند.

در بخشی از آیات، قرآن کریم پیروان ادیان گوناگون را مورد خطاب قرار داده و آنان را به ایمان به قرآن و معارف آن دعوت کرده و سعادت جاودانه‌شان را به آن پیوند داده است: فَإِنِ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا^{۱۳۵}؛ پس اگر اهل کتاب به مانند آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید ایمان آورند، همانا به حق راه یافته‌اند.

۱۳۰ - انبیاء، آیه ۱۰۷

۱۳۱ - سبأ، آیه ۲۸

۱۳۲ - فرقان، آیه ۱

۱۳۳ - یس، آیه ۶۹-۷۰

۱۳۴ - فتح، آیه ۲۸

۱۳۵ - بقره، آیه ۱۳۷

همه این آیات، جهانی بودن قرآن کریم و عمومیت دعوت قرآن کریم را برای همه مردم جهان ثابت می‌کند.

روایات و جهان شمول بودن قرآن کریم

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا هر چه قرآن کریم تلاوت می‌شود و هر چه قرآن کریم تدریس می‌شود؛ تراوت خود را از دست نمی‌دهد و همواره تازه و با طراوت است؟ مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَ الدَّرَاسَةِ إِلَّا غَضَاظَةً^{۱۳۶}؛ این چه سری است که هرچه زمان بیشتری بر قرآن می‌گذرد و هرچه بیشتر تلاوت می‌شود بر طراوت و تازگی‌اش افزوده می‌گردد؟ و آن بزرگوار در پاسخ می‌فرماید: لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُزَلِّهِ لِرِمَانٍ دُونَ رِمَانٍ وَ لَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^{۱۳۷}؛ برای این که خداوند تبارک و تعالی قرآن را برای زمانی خاص یا مردمی خاص قرار نداده است، از این رو قرآن در هر زمان تازه است و نزد هر قومی تا روز قیامت تازگی و طراوت دارد.

۱۳۶ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۷

۱۳۷ - عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۷

بخش چهارم: جاودانگی قرآن کریم

قرآن کریم کتاب جاودانه، ماندگار، همیشگی و ابدی است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را جاودانه و ماندگار معرفی می‌کند، به گونه‌ای که هرگز به یک زمان محدود نبوده و هرگز مرور زمان در او تغییر ایجاد نمی‌کند.

قرآن کریم همچون آسمان و زمین، و جریانی همچون جریان خورشید و ماه جاودانه و ماندگار است و همان‌گونه که آسمان و زمین برقرار است و خورشید و ماه در گردش و درخشش است؛ قرآن کریم هم جاودانه و ماندگار است.

آیات و جهان جاودانگی قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی در قرآن به این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید: **لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ^{۱۳۸}**؛ هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

روایات و جهان جاودانگی قرآن کریم

امام باقر علیه السلام جاودانگی و ماندگاری قرآن کریم را به دو اختر فروزان، خورشید و ماه تشبیه نموده، می‌فرماید: قرآن همانند خورشید و ماه همیشه در جریان است، و زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن می‌سازد.

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری فرمود: **الْقُرْآنُ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ^{۱۳۹}**؛ تا زمانی که آسمانها و زمین باقی است، سراسر قرآن در جریان خواهد بود.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الْقُرْآنَ حَتَّى لَمْ يُمْتْ وَ إِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ^{۱۴۰}**؛ قرآن زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و جاری است همانگونه که شب و روز در جریان است و همان‌طور که خورشید و ماه در جریان است.

تغییر ناپذیری قرآن کریم

همواره افکار و اندیشه هر عصری، اندیشه‌ها و افکار گذشته را تغییر داده و با مهر بطلان بر آنها، نادرستی آن را اثبات کرده و به مرور زمان مفاهیم تازه‌ای برای بشریت به ارمغان آورده و اختلاف بشری را در اعصار گوناگون نمایان ساخته است؛ با این حال خداوند تبارک و تعالی به گونه‌ای قرآن کریم را نازل کرده است که مرور زمان و فرهنگ‌های زمانه هرگز نتواند معارف و آموزه‌های قرآن کریم را تغییر دهد یا تأثیری بر محتوای این کتاب مقدس داشته باشد یا آن را باطل کند.

خداوند تبارک و تعالی، دگرگونی و تغییر ناپذیری را از ساحت قرآن کریم دور کرده و می‌فرماید: **وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{۱۴۱}**؛ و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به

۱۳۹ - کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۴، ص ۶۶۰

۱۴۰ - البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۱

۱۴۱ - انعام، آیه ۱۱۵

حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست.

بخش پنجم: نورانیت قرآن کریم

قرآن کریم کتاب نور و روشنائی است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را نور معرفی می‌کند، به گونه‌ای که راه زندگی به سعادت و کمال را روشن می‌سازد و غروب و افول بر آن راه ندارد.

حقیقت نور

۱. نور اولین مخلوق جهان هستی است: پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: **لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَنَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ خَلَقَ مِنْهَا نُورًا**^{۱۴۲}؛ وقتی خداوند اراده کرد هستی را بیافریند، فرمان داد و نور خلق شد.
۲. نور زیباترین و لطیف‌ترین موجود جهان هستی است.
۳. نور سریع‌ترین سیر و بالاترین سرعت را در جهان هستی دارد.
۴. نور هم روشن است و هم روشنگر **الظاهر بذاته المظهر لغيره**^{۱۴۳}، مانند خورشید.

خداوند تبارک و تعالی در چند آیه، قرآن کریم را نور معرفی کرده

است:

- **قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ**^{۱۴۴}؛ از جانب خداوند نوری و کتابی صریح و آشکار بر شما نازل شده است.
- **وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا**^{۱۴۵}؛ برای شما نوری آشکار و تابناک فرستاده‌ایم.

۱۴۲ - مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، ص ۵۹

۱۴۳ - شرح أصول الكافي (صدر)، ج ۴، ص ۷۳

۱۴۴ - مائده، آیه ۱۵

۱۴۵ - نساء، آیه ۱۷۳

- **وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ^{۱۴۶}**؛ نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند.
- **وَالنُّورَ الَّذِي أُنزِلْنَا^{۱۴۷}**؛ و آن نوری که ما فرو فرستادیم.
- **وَكِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ^{۱۴۸}**؛ و کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی در آوری.

آن چه به نور تشبیه شده است

از آن جایی که نور، لطیف‌ترین موجود هستی است؛ امور بسیار پر ارزش و لطیف به نور تشبیه می‌شود مانند: علم و دانش، دین مبین اسلام، قرآن، ایمان، هدایت الهی، پیامبر گرامی اسلام، امامت و ولایت. ولی نور بودن همه این موجودات به نور حقیقی بر می‌گردد که ذات اقدس الهی است.

علم و دانش

علم و دانش نور است، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ^{۱۴۹}**؛ بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکی‌ها و روشنائی برابرند؟

۱۴۶ - اعراف، آیه ۱۵۷

۱۴۷ - تغابن، آیه ۸

۱۴۸ - ابراهیم، آیه ۱

۱۴۹ - رعد، آیه ۱۶

امام صادق می‌فرماید: **أَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ**^{۱۵۰}؛ علم واقعی و حقیقی نور است که بر قلب هر آن که خداوند تبارک و تعالی شایسته بداند می‌افکند.

دین مبین اسلام

دین مبین اسلام نور است، قرآن کریم می‌فرماید: **يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**^{۱۵۱}؛ می‌خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی‌گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید.

ایمان

ایمان نور است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: **اللَّهُ وَلِي الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ**^{۱۵۲}؛ خدا یاور مؤمنان است. ایشان را از تاریکی‌ها به روشنی هدایت می‌کند و آنان که کافر شده‌اند طاغوت یاور آنهاست، که آنها را از روشنی به تاریکی‌ها می‌کشد.

هدایت الهی

هدایت الهی نور است، قرآن کریم می‌فرماید: **أَوْمَنَ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ**^{۱۵۳}؛ آیا کسی که از نظر عقلی و روحی

۱۵۰ - مصباح الشریعة، ص ۱۶

۱۵۱ - توبه، آیه ۳۲

۱۵۲ - بقره، آیه ۲۵۷

۱۵۳ - بقره، آیه ۱۲۲

مرده جهل و ضلالت بود، سپس او را زنده کردیم، برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم سرافراز حرکت کند.

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ**^{۱۵۴}؛ مردان و زنان مؤمن را می‌نگری که نورشان، پیشاپیششان حرکت می‌کند.

قرآن کریم

قرآن کریم نور است، خداوند در این باره می‌فرماید: **قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ**^{۱۵۵}؛ از جانب خداوند نوری و کتابی صریح و آشکار بر شما نازل شده است.

پیامبر گرامی اسلام

پیامبر گرامی اسلام نور است، قرآن کریم می‌فرماید: **وَدَاعِيَ إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا**^{۱۵۶}؛ و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوان و چراغی تابناک باش.

امامت و ولایت

امام و ولی، نور هستند، قرآن کریم می‌فرماید: **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ**^{۱۵۷}؛ خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند.

۱۵۴ - حدید، آیه ۱۲

۱۵۵ - مائده، آیه ۱۵

۱۵۶ - توبه، آیه ۳۲

۱۵۷ - نور، آیه ۳۵

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید: **يَهْدِي اللَّهُ لَوْلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ^{۱۵۸}**؛ خداوند تبارک و تعالی به ولایت ما را هدایت می‌کند.

خداوند نور آسمان و زمین است

مشهورترین آیه‌ای که در قرآن کریم بحث نور را عنوان کرده است پنج بار واژه‌ی نور در آن به کار رفته است، در این آیه، خداوند نور آسمان و زمین معرفی شده است: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^{۱۵۹}**؛ خدا نور آسمان‌ها و زمین است. به این معنا که خداوند به نفس خود ظاهر است و آنچه در آسمان‌ها و زمین است به واسطه او ظهور دارد.

چون وجود و هستی هر چیزی باعث ظهور آن چیز برای دیگران است پس مصداق تام نور همان وجود است و از سوی دیگر چون موجودات امکانی وجودشان به ایجاد خدای تعالی است پس خدای تعالی کامل‌ترین مصداق نور است؛ یعنی اوست که ظاهر بالذات و مظهر ما سوای خود است و هر موجودی به وسیله او ظهور می‌یابد و موجود می‌شود. پس خدای سبحان نوری است که به وسیله او آسمانها و زمین ظهور یافته‌اند. **أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا^{۱۶۰}**؛ و زمین به نور پروردگارش روشن گردد.

چگونه قرآن، نور است؟

نور، حقیقتی است روشن و روشنگر، نمایان و نمایان‌گر، آشکار و آشکارگر: **الظاهر بذاته المظهر لغيره^{۱۶۱}**؛ فی نفسه نمایان است و دیگر

۱۵۸ - تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۵

۱۵۹ - نور، آیه ۳۵

۱۶۰ - زمر، آیه ۶۹

۱۶۱ - شرح أصول الكافي (صدر)، ج ۴، ص ۷۳

اشیاء را نمایان می‌سازد. پس هر حقیقتی که ظاهر، روشن، نمایان و آشکار باشد و دیگر اشیاء را روشن، نمایان، آشکار و جلوه‌گر سازد؛ به آن نور اطلاق می‌شود، مانند خورشید که هم روشن و نمایان است، هم خود جلوه‌گر است، هم اشراق و درخشش دارد، هم دیگر اشیاء را به اشراق و درخشش خود نمایان می‌سازد، هم نیازی به ظاهر کننده و آشکار کننده ندارد و هم موجوداتی که در شعاع تابش آن قرار گیرند؛ نمایان می‌شوند.

قرآن از آن جهت نور است که هم از عالم نور آمده است، هم نمایان است، هم نمایان‌گر است و هم همه تاریکی‌ها را می‌زداید. قرآن کریم نور رستگاری است، راه بشر به سعادت و کمال را روشن می‌کند. قرآن کریم نور دانش است، تاریکی جهل را برطرف می‌کند. قرآن کریم نور علم است، عقل بشر را بارور می‌سازد. **و يُثَبِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ^{۱۶۲}**؛ گنجینه‌های عقل را شکوفا می‌کند. قرآن کریم نور یقین است، شک و شبهه را برطرف می‌سازد. قرآن کریم نور حقیقت است، حق را نمایان می‌سازد. قرآن کریم نور هدایت است، همگان را به راه سعادت رهنمون می‌سازد و گمراهی را می‌زداید: **وَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ^{۱۶۳}**. قرآن کریم نور ایمان است، ظلمت کفر را برطرف می‌کند. قرآن کریم نور توحید است، تاریکی شرک را می‌زداید. قرآن کریم نور تسلیم است، انسان را به اطاعت رهنمون می‌سازد. قرآن کریم نور اخلاق است، زشتی‌ها را برطرف می‌کند. قرآن کریم نور معنویت است، از تباهی دور می‌کند. قرآن کریم نور بصیرت است، ارزش‌ها را نمایان می‌سازد: **هَذَا**

۱۶۲ - نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۴۳

۱۶۳ - جائیه، آیه ۲۰

بَصَائِرُ لِلنَّاسِ^{۱۶۴}. قرآن کریم نور سلامت است امراض را درمان می‌کند. امیر علیه السلام می‌فرماید: **وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ^{۱۶۵}**؛ با نور قرآن کریم امراض خود را درمان کنید.

قرآن کریم نور بصیرت است، راه را از بیراهه، سره را از ناسره، حق را از باطل و سعادت را از شقاوت روشن می‌کند، رذایل اخلاقی، صفات ناپسند، از یک سو، فساد و تباهی، ضلالت و گمراهی، ظلم و تعدی از سوی دیگر و مکتب‌های انحرافی و اندیشه‌های منحرف از سوی سوم، همه تاریکی و ظلمت است، و انسان برای حرکت به سوی کمال و مبارزه با تاریکی و ظلمت، نیاز به روشنائی دارد و آن قرآن کریم است. به همین خاطر در اخبار آمده است که اگر خبری بر شما از ما عرضه شد، و نتوانستید صحت و سقم آن را دریابید؛ به کتاب الله عرضه بدارید. اگر مفادش مطابق بود بگیرید؛ و گرنه رهاش کنید.

آری آن چه قرآن کریم آورده است از جنس نور است و اعماق وجود انسان را نورانی می‌کند. بر این اساس است که امام حسن مجتبی علیه السلام در جواب کسی که نصیحت آن بزرگوار را جواهر خواند، فرمود: جواهر از جماد است و با جان آدمی سنخیتی ندارد، در حالی که این گفتار نور است و در اعماق وجود انسان نفوذ کرده و جان آدمی را زنده می‌کند.

حضرا امیر علیه السلام قرآن کریم را نور معرفی می‌کند و می‌فرماید: **أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ نُورًا لَا تَظْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ^{۱۶۶}**؛ قرآن

۱۶۴ - همان

۱۶۵ - نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۱۶۴

۱۶۶ - نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۳۱۵

نوری است که روشنایی اش خاموشی ندارد و چراغی است که درخشش کاستی ندارد.

در جای دیگر حضرت امیر علیه السلام از قرآن کریم به نور درخشان و روشنایی فراگیر یاد می کند و می فرماید: **النُّورُ السَّاطِعُ، وَ لُضِيَاءِ اللَّامِعِ**^{۱۶۷}؛ قرآن کریم، نور درخشان و فراگیر است.

بخش ششم: هدایتگری قرآن کریم

قرآن کریم کتاب هدایت است. قرآن کریم برای شناخت بهتر و بیشتر، در بخشی از آیات، خود را کتاب هدایت معرفی می‌کند، این هدایتگری، یکی از شئون بالا و والای قرآن کریم و یکی از اهداف عالی نزول قرآن کریم است.

معنای هدایت

هدایت، به معنای راهنمایی از روی لطف و خیر خواهی برای رسیدن به مطلوب است، در حقیقت هدایت، فروغ روشنایی درونی است که در شعاع آن، انسان در مسیر صحیح زندگی و سعادت حقیقی قرار می‌گیرد و به جایگاه واقعی و لایق خود نایل می‌گردد.

آیات و هدایت قرآن کریم

خداوند تبارک و تعالی، قرآن کریم را کتاب هدایت معرفی می‌کند و می‌فرماید: **ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ**^{۱۶۸}؛ این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.

خداوند تبارک و تعالی، قرآن کریم را کتاب هدایت به پابرجاترین و استوارترین آیین معرفی می‌کند و می‌فرماید: **إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ**^{۱۶۹}؛ همانا این قرآن به پابرجاترین و استوارترین آیین هدایت می‌نماید. هدایت قرآن کریم انسانها را از تاریکی جهل، گمراهی، کفر، شرک، نفاق، فسق، پلشتی؛ به نور دانش، حقیقت، سعادت، ایمان، توحید، تسلیم، اخلاق، معنویت و سلامت رهنمون می‌سازد: **أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ**

۱۶۸ - بقره، آیه ۲

۱۶۹ - اسراء، آیه ۹

النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ^{۱۷۰}؛ کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان از تاریکی به روشنایی رهنمون سازی.

گستره کمی هدایت قرآن کریم

گستره کمی هدایت قرآن کریم شامل همه بشریت می‌شود، همه انسانها از هنگامه نزول تا هنگامه ظهور و تا پایان دنیا؛ مخاطب هدایت قرآن کریم هستند.

گستره کیفی هدایت قرآن کریم

هدایت قرآن کریم اختصاص به بخشی از زندگی انسان ندارد، مشرف به همه زوایا و همه گستره زندگی بشر از ابتدا تا انتها است. همه عرصه‌های تکی و خانوادگی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، رفتاری و گفتاری، اداری و مدیریتی، سیاسی و اقتصادی، شخصی و حاکمیتی؛ همه محدوده هدایت قرآن کریم است. هدایت قرآن کریم منحصر به رفتارهای شخصی و عبادی نیست که افراد را به گوشه نشینی دعوت کند، بلکه هدایت قرآن کریم شامل همه عرصه‌های سیاسی و حکومتی و جهادی و انقلابی هم می‌شود.

مراتب بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم

بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم به میزان ایمان، تقوا و اخلاص بستگی دارد، بر این اساس هدایت قرآن کریم دارای مراتب متعددی

۱۷۰ - ابراهیم، آیه ۱

است، هم شامل عموم مردم می‌شود: **هُدَىٰ لِلنَّاسِ**^{۱۷۱}، هم شامل مسلمانان می‌شود: **هُدَىٰ وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ**، هم شامل مؤمنین می‌شود: **هُدَىٰ وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ**^{۱۷۲} و هم شامل متقین می‌شود: **هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ**^{۱۷۳}. اما هدایت واقعی شامل متقین است و در حقیقت متقین هستند که از هدایت قرآن کریم بهره واقعی و حقیقی می‌برند. این جا است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی قدس سره می‌فرماید: متقیان تشنه هدایت بارقه‌ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان "**هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ**" هدایت یافته‌اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند.

شرط استفاده از هدایت قرآن کریم

شرط استفاده از هدایت قرآن کریم تقوای الهی است، قرآن کریم در این زمینه در دومین آیه سوره بقره می‌فرماید: **ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ**^{۱۷۴}؛ این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. و معنای این شرط این نیست که هدایت قرآن کریم اختصاص به پرهیزگاران دارد و شامل دیگر قشرهای جامعه نمی‌شود بلکه به این معنا است که گستره کمی هدایت قرآن کریم شامل همه بشریت می‌شود اما فقط پرهیزگاران شایستگی هدایت را به دست می‌آورند و از هدایت قرآن کریم استفاده می‌کنند.

امید آن که همگان با بهره‌مندی از تقوای الهی در جرگه هدایت یافتگان قرار گیریم. آمین یا رب العالمین.

۱۷۱ - بقره، آیه ۱۸۵

۱۷۲ - نمل، آیه ۲

۱۷۳ - بقره، آیه ۲

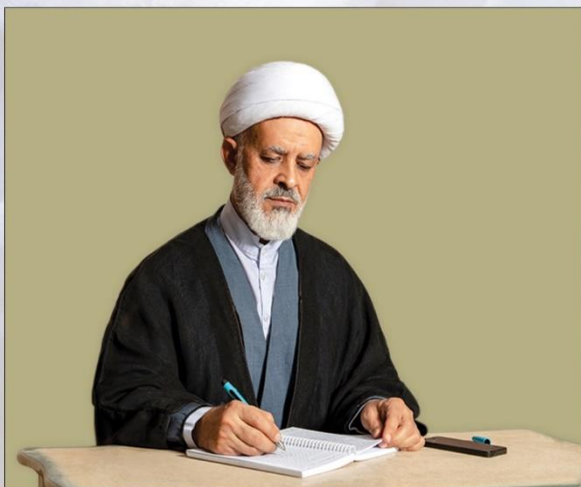
۱۷۴ - همان

منابع کتاب

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (للسبجي صالح)، شريف الرضي، محمد بن حسين (۴۰۶ ق)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق
۳. نهج البلاغه، صالح، صبجي، (۱۹۲۶ - ۱۹۸۶ م)، قم، مركز البحوث-الاسلاميه، ۱۳۷۴
۴. صحيفه سجاديه، علي بن الحسين، امام چهارم عليه السلام (۹۴ يا ۹۵ ق)، قم: دفتر نشر الهادي، ۱۳۷۶ ش
۵. غرر الحكم و درر الحكم، تمیمی آمدی، نشر دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق
۶. مصباح الشریعة، منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم عليه-السلام (۱۴۸ ق)، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق
۷. من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱ ق) محقق: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق
۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱ ق)، محقق: لاجوردی، مهدی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق
۹. الکافی (ط- الإسلامیة)، کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ ق)، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق
۱۰. شرح أصول الکافی (صدرا)، صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۰۵۰ ق)، محقق: خواجوی، محمد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش

۱۱. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳ ق)، محقق: موسوی جزائری، طیب، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق
۱۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الشیخ الطبرسی، الناشر: دارالمعرفة، بی تا
۱۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق
۱۴. إرشاد القلوب / ترجمه طباطبایی، دیلمی، حسن بن محمد (۸۴۱ ق)، قم: جامعه مدرسين، بی تا
۱۵. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۱۰۷ ق)، محقق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: موسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش
۱۶. مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنين عليه السلام، حافظ برسی، رجب بن محمد (۸۱۳ ق)، محقق: عاشور، علی، بیروت: نشر أعلمي، ۱۴۲۲ ق
۱۷. بحار الأنوار - ط، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳ ق
۱۸. بحار الانوار-ط، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
۱۹. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق
۲۰. الامالی، للشیخ الصدوق، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ ق
۲۱. مجموعة ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، ورام بن أبي فراس، قم: مكتبه فقيه، ۱۴۱۰ ق
۲۲. صحيفه امام، خميني، روح الله (۱۴۰۹ هـ. ق)، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (س)، ۱۳۸۹ ش

۲۳. شرح حدیث "جنود عقل و جهل"، خمینی، روح‌الله (۱۴۰۹ ه.ق.)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۲
۲۴. آداب الصلاه، خمینی، روح‌الله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸ ه. ش
۲۵. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله)، پاینده، ابوالقاسم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش
۲۶. عرفان اسلامی تفسیر مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه، انصاریان، حسین، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۶
۲۷. تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۹
۲۸. رنج‌نامه‌ای درباره تفسیر قرآن، قرائتی، محسن، پرتال جامع علوم و معارف قرآن، ۱۳۸۸



قرآن کریم در اتصال به منبع لایزال الهی، قطعی و یقینی است، در وصول به زندگی شرافتمندانه، جامع و کامل است، در گستردگی اقوام و ملل، جهانی و جهان شمول است، در ماندگاری آموزه‌ها، جاودانه و ماندگار است، در معرفت و کمال، نورانی و روشنگر است و در سعادت و رستگاری، راهنما و هدایتگر است.

دفتر مرکزی: اصفهان. خیابان کاوه. خیابان
دکتر باهنر. ابتدای خیابان آیت الله خادمی .
بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

تلفن: ۰۳۱-۳۳۳۷۸۳۷۳

دورنگار: ۰۳۱-۳۳۳۸۵۶۰۳

www.farhangestan313.ir

